

انقلاب و کودتا

کودتا خنثی شدن تیرروز - تا مه های هیات حاکمه و اس اخبار رادیو و تلویزیون در هفته گذشته بود اما کدام کودتا؟ در این مورد نیز چون گذشته جناح های هیات حاکمه هر یک دیگری را متهم به راه اندازی کودتا و ... نموده است. اگر خود را از قید و بند این اتهامات و برنامہ های حساب شده دریا که از هر مسئله ای برای تصفیه حساب در بلوک سیاسی بر علیه یکدیگر و برای پیشبرد سادۀ تر اقدامات ضد انقلابی خود بهره میگیرند، برهانیم آنگاه ابعاد حقیقی مسئله بر ما روشن میگردد. و عوامل مزدور و سرسپردۀ آن در حکومت و خارج آن و در ارتباط و بسا آنگاه به بورژوازی است.

این قبیل کودتاها جزئی از توطئه های امپریالیسم برای بازگردد دادن نظم مطلوب به سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و استقرار شرایطی که امپریالیسم بتواند منافع خود را هر چه بیشتر تأمین کند، هدف اساسی این توطئه های خنثی شده میباشد. اما این "عبارت کلی" "اینداد واقعیت" میسر و مجرای ساده ای را که حکومت و جناح های آن تصویر میکنند طی نگرده است. "کودتا چنان که عمدتاً (بنا به مدارک حکومت) دنبال یک برنامه ضربتی برای مساعده کردن شرایط جهت کسب قدرت در مراحل بعد بوده اند، اساساً با بهره جویی از جو عمومی ناراضی توده ها، یا بسه زعم آنان انتقال سیاسی توده ها، بقیه در صفحه ۲

کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند. کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند. کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند. (ولادیمیر ایلیچ لنین)



کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲۱ دوشنبه ۳۰ تیر ۵۹ - باضمیمه ۳۰ ریال

مشاجره اصلی:

خریده بورژوازی حاکم

نگاهی به انتقادات اکثریت بر اقلیت (کار ۶۳)

به اپورتونسم و ریزونسم - جهان نداشت است، وجه تمهیدات تئوریک بی پایان که وقت اشیا عدم وجود خریده بورژوازی در حاکمیت شده است، هیچکدام را از ه نتوانستند ثابت کنند که صف بندی نیروهای انقلاب در ایران بقیه در صفحه ۱۰

هیات حاکمه این دید و نقطه نظرها بشدت مورد تمسخر قرار داده و از اعضا ساقط کرده است. چه تلاشهای بیپوده بی درجهت اثبات وجود سرما به داری ملی یا بورژوازی ملی یا "بورژوازی لیبرال بخشاً مرجع شده" یا "نشده" در ایران صورت گرفته که نتیجه بی بجز در غلطی است

با بدگفت که علی رغم کوشش بسیاری که از ناحیه گروه های چپ دیده میشود تا ثابت نماید مسئله انقلاب ما، با بدقیقت مسئله انقلاب را در رابطه با صف بندی طبقه نیروهای انقلابی تادرون بورژوازی گسترده است، واقعیت جاری و مبارزه طبقه ای و ما هست

پاسخ به نامه ها

در صفحه ۳

در پیک رزمندگان می خوانید:

- درباره کودتا و زمینه های آن
- کودتای ارتش جمهوری اسلامی نشأ داد
- کمونیست ها هرگز دروغ نمی گویند
- به مناسبت سالروز سی تیر: زحمتکشان تاریخ سازند!
- بارش آگاهی و گسترش مبارزات کارگران
- انجمن اسلامی کارخانه رسوا تر میشوند
- اخبار کارگری
- اخبار کردستان قهرمان
- اخبار کوتاه
- ۰۰۰

اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی

قسمت سوم

در شماره قبیل سیاست هیات حاکمه را از بدوروی کار آمدن آن تا پائیز ۵۸ بطور اجمالی بررسی کردیم. بطور کلی سیاست هیات حاکمه در قبال مسأله ارضی - دهقانی تابع دو عامل بوده است.

۱- سیاست عمومی حکومت در قبال مسأله مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سیاستی که بخصوص با عهده دار بودن مسئولیتها رسمی توسط بورژوازی لیبرال مبتنی بقیه در صفحه ۵

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله

دست به این برنامهریزی ها زده اند. ولی آنچه در درون این جریان بیشتر از همه چیز اهمیت دارد، نه نفس کودتا بلکه گسترش انقلاب در ایران و شرایطی میباشد که موجب میشود چنانچه حاکم بر علیه یکدیگر دست به انواع توطئه ها بزنند و امپریالیسم با انکاء به بورژوازی و عوامل سر سپرده و وابسته در حکومت در صدد تحکیم موقعیت خود بآید.

از جریان "کودتای خنثی شده" بر- ای تحکیم موقعیت خود، کنترل ارتش و... بصورت استفاده کرده است و ما میدانیم که آنها تغییر در ماهیت ارتش ایجاد نخواهند کرد و ارتش با زهم ارگان سرکوب خواهد بود. نکته مهمی که ما در اینجا باید آنرا توضیح دهیم، علاوه بر ما - هیئت این چنین کودتا های محکومیت آنها به شکست است. این قبیل اقدامات اینک چند ماه است که در اشکال گوناگون خود را نمایش میدهد. لیکن همگی حتی در صورت موفقیت منطقه ای و کوتاه مدت

ما با یقدر تحت هر شرایطی تنها و تنها به مصالح انقلاب بیاندیشیم و عمل کنیم میسرند؛ چگونه؟ برای آنکه ما بتوانیم در شرایط پیچیده ای که گفتیم ابتکار انقلابی را از دست ندهیم و نگاه داریم، نباید "بفیع یکی، علیه دیگری خود را منحل نمائیم. یعنی از مواضع انقلابی خود خارج شده و به سازش با ضد انقلاب کشیده شویم. ما با یقدر سر لوجه هر عمل خود استقلال پرولتاریا، استقلال تشکیلاتی سیاسی - ایدئولوژیک عمل خویش را حفظ کنیم.

در برابر پتانسیل انقلابی توده ها و حتی تضادهایی که میان دوشد انقلاب پس از چنین کودتا هایسی در خواهد گرفت به آن اجازه زندگی نخواهد داد.

با این وجود، محکومیت کودتا به شکست، به معنی نفی امکان آن نیست. ما در مقابل ۱۳، که صحت احکام آنرا و قیام یکی پس از دیگری نشان داده است، ضمن اینکه نشان دادیم این قبیل اقدامات محکوم به شکست است، امکان آنرا نفی نکردیم. چنین امکانی را بویژه ابعاد جنبش انقلابی، ماهیت ارتش و بحران عمیق اقتصادی سیاسی حاکم، تا آمدی بورژوازی از اینکه بزودی حکومت شکل مطلوب آنها را بگیرد... توضیح میدهد.

پس چه چیزی در اینجا اهمیت دارد و باید بدان پرداخت؟ ما میدانیم که کل هیات حاکمه ضد انقلابی است و در شرایط کودتا حدا کثر تجربه خواهد شد و مبارزه می آنها به شکل حاد و قهرا میز در خواهد آمد اما این موضوع، در رابطه با مبارزه توده ها و ما را انقلاب چه وظیفه ای را بر عهده ما میگذارد؟

اپورتونیزم ها معمولا چنین شرایطی را بهترین توجیه برای ترک کردن مبارزه انقلابی قلمداد میکنند. آنها بجای آنکه در شرایط پیچیده مبارزه طبقاتی (که هر روز پیچیده تر میشود) با انکاء به سیاسی

ترین نکات استراتژیک و با توجه به مبارزه طبقاتی جاری به انتخاب تاکتیک بپردازند بصورت از هر شرایط مشخصی، یک "شرایط تاکتیکی" ابدی میسازند تا در پرتو آن مبارزه طبقاتی (و "هدف نهایی" رانفسی کنند. توجیه آنها در زمانی که چنین وقایعی هنوز تحقق نیافته است "امپریالیسم" بطور انتزاعی یا "امکان" چنین چیزی، و وقتی به وقوع پیوست، خود آن است.

اپورتونیزم ها بدنبال "جناح انقلابی" ضد انقلاب آبراه میافتند و پیوسته فریاد میزنند: "شرایط مشخص" اما ما نیز به این شرایط مشخص پای بندیم. اگر مارکسیسم لنینیسم لحظه ای خود را از منبغ لایزال حیات خویش یعنی شرایط مشخص جدا کند، به تئوری جامد و نه راهنمای عمل، تبدیل خواهد شد. ولی اپورتونیزمها و از جمله س. ج. اکثریت از جنبش انقلابی میخواهند بسود یکی از طرفین دعوا در بالا خود را خلع سلاح کنیم. آنها به هواداران خود در "گردد" رهنمود میدهند که تحت فرماندهی پاسداران به مبارزه علیه نیروهای ضد انقلاب قدیم بپردازند. چیزی که اپورتونیزم نیست. ما میگوییم در حقیقت اعاده حیثیت به ضد انقلاب حاکم یا جناحی از آن بسود دیگری است.

چونر ما، در شرایط مقطعی که شرح آن رفت، در صورت وقوع

اپورتونیزم ها معمولا چنین شرایطی را بهترین توجیه برای ترک کردن مبارزه انقلابی قلمداد میکنند. آنها بجای آنکه در شرایط پیچیده مبارزه طبقاتی (که هر روز پیچیده تر میشود) با انکاء به سیاسی ترین نکات استراتژیک و با توجه به مبارزه طبقاتی جاری به انتخاب تاکتیک بپردازند بصورت از هر شرایط مشخصی، یک "شرایط تاکتیکی" ابدی میسازند تا در پرتو آن مبارزه طبقاتی و "هدف نهایی" رانفسی کنند.

چنان بحرانی، ما یک وظیفه داریم: پیشبرد انقلاب. ما باید در تحت هر شرایطی تنها و تنها به مصالح انقلاب بیاندیشیم و عمل کنیم. میسر - سند: چگونه؟ برای آنکه ما بتوانیم در شرایط پیچیده ای که گفتیم ابتکار انقلابی را از دست ندهیم و نگاه داریم نباید "بفیع یکی - علیه دیگری خود را منحل نمائیم" یعنی از مواضع انقلابی خود خارج شده و به سازش با ضد انقلاب کشیده شویم. ما باید در سر لوجه هر عمل خود استقلال پرولتاریا، استقلال تشکیلاتی - سیاسی - ایدئولوژیک و عملی خویش را حفظ کنیم. ما را اینجا

با دوا نحراف بزرگ مرز بندی میکنیم: ۱- اینکه شرایط تاکتیکی و مقطعی محتمل را به عنوان "شرایط موجودا بزنند. و تاکتیک وضعیت دیگری را به حال حاضر تعمیم دهند. ۲- اینکه به بهانه ها مختلف از قبیل انقلابی بودن هیات حاکمه تا بیم خطر تجاوز امپریالیسم و کودتا و غیره بخوانند استقلال و بر- نامه انقلاب پرولتری رانفسی کنند.

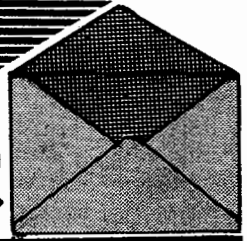
کمونیستها در سخت ترین شرایط با بدبختی اند، مثل یک پارتیزان تاکتیک انقلابی خود را بسود مبارز انقلاب، پرولتاریا و توده های زحمتکش به پیش ببرند؛ این است آموزش لنین کبیر ما!

ما از هم اکنون، با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی پیچیده فعلی، موقعیت توده های انقلابی و تضادهای هیات حاکمه، موکداً میگوئیم: یگانگانه مقابل با هر گونه اقدامات ضد انقلاب غیر حاکم. تنها تجهیز توده ها، افشای ماهیت هیات حاکمه، بسیج و آمادگی انقلاب بی برای مقابل مستقل و کسب قدرت سیاسی در صورت امکان در هر جا که شرایط فراهم میباشد است.

(رج: روزندگان ۱۳) این به معنی آن نمیشد که به این بهانه از هم کنون "س. ج." (اکثریت) نه تنها به تقویت جناح

اپورتونیزم ها معمولا چنین شرایطی را بهترین توجیه برای ترک کردن مبارزه انقلابی قلمداد میکنند. آنها بجای آنکه در شرایط پیچیده مبارزه طبقاتی (که هر روز پیچیده تر میشود) با انکاء به سیاسی ترین نکات استراتژیک و با توجه به مبارزه طبقاتی جاری به انتخاب تاکتیک بپردازند بصورت از هر شرایط مشخصی، یک "شرایط تاکتیکی" ابدی میسازند تا در پرتو آن مبارزه طبقاتی و "هدف نهایی" رانفسی کنند.

خرده بورژوازی حاکم، به جای شکل توده ها بپردازد، بلکه نیروهای خود را بجای عمل مستقل و متشکل به درون سپاه پاسداران بفرستد و تنها به آن رهنمود دهد: بگوئید ما فدایی هستیم! هم اکنون ما با یک نمونه از این شرایط پیچیده روبرو هستیم مثلاً در کردستان نیروهای ضد انقلاب حاکم بر علیه نیروهای انقلابی و نیروهای ضد انقلاب غیر حاکم میجنگند. اگر در نقطه ای نیروهای ضد انقلاب حاکم بر علیه ضد انقلاب سابق مبارزه می کنند ما چه وظیفه ای داریم؛ از موضع بقیه در صفحه ۴



پاسخ به نامه‌ها

در برخی از نامه‌ها از جمله نامه رفیق ف، رفیق احمد "به قسمتها بی از مقالات شماره‌های مختلف ارگان نظیر "خرده‌بورژوازی و انقلاب" در شماره ۱۱، و مقالات شماره ۴ اشاره شده است. در این اشارات رفقا متذکر می‌شوند که برای خرید بورژوازی حاکم استعداد حرکتی بر علیه امپریالیسم در نظر گرفته شده (ملی کردن بعضی از موسسات وابسته، اشغال سفارت، مجازات عوامل وابسته و کارگزار رژیم سابق، قطع روابط سیاسی با برخی از رژیم‌های دست‌نشانده...) اما در عین حال این خرده‌بورژوازی ضد انقلابی ارزیابی می‌گردد. از نظر این رفقا باید از قائل شدن استعداد فوق در مقایسه با خصلت اصلی خرده‌بورژوازی حاکم در حراست از نظام سرمایه‌داری وابسته و جلوگیری از توسعه انقلابی مبارزه فدا مپریالیستی توده‌ها خودداری کرده و یا بقول یکی از رفقای دیگر "حتی جریان اشغال سفارت..... تا برگزاری نماز جمعه را باید می‌ماند به شیوه سرکوب غیر قهرآمیز (فیب) توده‌ها تلقی کرد که مضافاً متضمن تضعیف جناح دیگر نیز هست." به عبارت دیگر ما باید چارتناقض گویی شده ایم و یا از منظور اصلی از این حرکات یعنی "قریب" غافل گشته ایم.

بنظر ما اشکالات این رفقا جنبه‌های مهمی از واقعیت را در بر دارد. یعنی هم تضادهای خرده‌بورژوازی حاکم با امپریالیسم نسبت به خصلت اصلی آن در حفظ نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم فرعی است و هم در بر این حرکات قصد فیب ما نور و بدست آوردن موقعیت برتر در قدرت سیاسی از طریق تضعیف جناح دیگر جای اهمیت فراوان است اما آنچه مباحث موردتوجه رفقا قرار گیرد اینست که تدوین تاکتیک

داری وابسته را تشکیل می‌دهد....
 خط مشی ما مباحث این جوانب مهمترین قضیه را در نظر داشته باشد. و بخصوص باید بتوانیم مشخصی نامیم که کدام جنبه مباحث تعیین کننده خط مشی ما و کدام جنبه‌ها باید در این خط مشی در مقاطع مختلف موثر واقع شود. این برخورد را ما در سرمقاله ۳ و سرمقاله همین شماره و مقاله "منافعه" اکثریت با اقلیت "س.ج" بر سر خرده‌بورژوازی توضیح داده ایم.

وظیفه ما اینست که اولاً: از نظر تئوریک نشان دهیم که بنا بر معیارهای مارکسیسم - لنینیسم در قضاوت جریان‌ها مختلف، یعنی سطح مبارزه طبقاتی جاری در جامعه، و وضع سیاسی - اجتماعی و مسئله قدرت سیاسی، کدام یک از جنبه‌های فوق خلقت اصلی خرده‌بورژوازی حاکم را در رابطه با انقلاب تشکیل می‌دهد، و ثانیاً این تحلیل را با تاکتیک‌های متناسب افشاگریها و... مبنای فعالیت خود در میان توده قرار دهیم.

دیدگاهی که بی‌اعتنا به وضعیت عینی و ذهنی مبارزه طبقاتی جاری در جامعه و قدرت سیاسی آن محک اصلی در تعیین نقش جریان‌ها مختلف را برخورداریم مپریالیسم قرار می‌دهد و راه بیشتر در مقابل خود ندارد. با از واقعیت حضور لایه فوقانی خرده‌بورژوازی در قدرت سیاسی حرکت نموده که طبعاً حرکات آنرا بر علیه امپریالیسم دلیلی بر انقلابی بودن، خلقی بودن و امثالهم تلقی میکند (فدا نیان - اکثریت) و یا از تشخیص ذهنی خود (ضد انقلابی بودن هیات حاکمه) حرکت نموده و واقعیت را بر آن تطبیق می‌دهد. یعنی حور این خرده‌بورژوازی از قدرت حاکمه انکار نموده و آنچه بعقل طبقاتی بروز می‌کنند را اثر مصادفاتی آنها (قریب و...) میدانند.

آنچه از نظر تئوریک در "رزمندگان" دنبال می‌شود، از جمله برای اینست که خط مشی مادر عرصه‌های مختلف مبارزه با حرکت از واقعیت جاری و مستقل از ذهن ما از یکسو و بکار گرفتن اصول مارکسیسم - لنینیسم در تعیین وظایف کم -

کمک‌های مالی دریافت شده

الف	۱۰۰۲۳
ب	۱۰۰۴۴
پ	۱۰۰۵۵
ت	۲۳۰۰
ث	۱۰۰۲۳
ج	۷۵۰۰
د	۲۱۷۹
هـ	۶۰۰۱

کمک‌های مالی شما نقش مهمی در ادامه کاری و گسترش فعالیت ما و اهداف انقلابی سازمان ما دارد. این کمک‌ها را بعنوان یک وظیفه انقلابی تلقی کنید.

برای اطمینان شما از دریافت کمک‌های مالیتان به سازمان یک عدد بعنوان کد انتخاب کرده و به همراه نام - ول حرف خود به دریافت کننده کمک مالی بدهید ما این شماره را به مبلغی که پرداخته اید اضافه و در نشریه درج می‌کنیم مثلاً اگر مبلغ پرداختی شما ۷۰۰۰ ریال و کد انتخابی بی ۹۵ حرف اول نام شما "ج" باشد در ستون کمک‌های مالی دریافت شده "ج ۷۰۰۰" را ملا حظ خواهد نمود.

قطع کامل دست‌های خونین امپریالیست‌ها فقط بوسیله کارگران و زحمتکشانشان امکان پذیر است!

توضیح پیرامون مدعای

'راه کارگر'

"راه کارگر در پاسخ به اعتراض ما مبنی بر اینکه "چرا انتسابات ناروا به رزمندگان وارد کرده است" بجای وفاداری به حقیقت قضایا و اتفاقات بنا برهما ناگزیرها که قبلا بازگفتیم، بر روی صحنه انتسابات ناروای خود ایستاده و مجدداً ادعا کرده و حتی دلیل آورده است که "رزمندگان" خواستار شرکت در راهپیمایی ستاد سراسری بجای راهپیمایی مستقل کمیته مشترک بوده است. ما مجدداً با قوت و اطمینان کامل اعلام میکنیم که اولین پیشنهاددهنده و امضا کننده، برای برگزاری راهپیمایی مستقل کمیته مشترک "رزمندگان" بوده است.

اگر بلاکاردی از کارگران کارخانه ای که هوادار ما بوده اند، در جریان راهپیمایی ستاد سراسری بالا برده شده است، که ما از صحت امر کاملاً بی اطلاعیم، اولاً دلیلی بر طرفداری ما از شرکت در آن راهپیمایی نمیباشد. زیرا که جریان انتسابات هوادار ما در بسیاری از کارخانه ها وجود دارند، که حتی بنا به تصمیم خود حرکت میکنند، چرا که در روابط تشکیلاتی ما نمیباشند. در ثانی اگر یک پلاکاردا از کارگران هوادار ما در راهپیمایی سراسری وجود داشته باشد، که این خود هیچ چیز را نمیرساند، در عوض و در مقابل، چندین پلاکاردا از کارگران هوادار ما در کارخانه های مختلف مانند بافکار، راه آهن و اکباتان و... در جریان راهپیمایی مستقل کمیته وجود داشت.

از اینها گذشته، لازم به توضیح است که در صبح برگزاری راهپیمایی، رزمندگان پیشنهاد تبدیل راهپیمایی به میتینگ را در همان ساعت، یعنی همزمان با راهپیمایی ستاد سراسری، داده بود که راه کارگر در قبال این پیشنهاد موضع متزلزل داشت و تنها رفقای پیکار بر روی ادا مه برنامگی بصورت راهپیمایی اصرار نمودند.

رفقا، پیشنهاد تبدیل راهپیمایی به میتینگ در همان ساعت که ستاد سراسری برنامگی داشت کجاست و تعطیل به خاطر شرکت در راهپیمایی ستاد سراسری کجا؟! رفقای راه کارگر

ما بخاطر موضع محکم خود بخاطر برگزاری راهپیمایی مستقل، به سختی مورد انتقاد رفقای "وحدت انقلابی" قرار گرفتیم. هر چند که انتقادات آنها را وارد نمیدانیم. و شرط در مقابل، چنین انتسابات ناروا بی راه بر ما وارد نمیکند.

رفقا، آیا بهتر نیست که کسانال مبارزه ایدئولوژیک و انبساط عدم حقانیت مواضع "رزمندگان" را بجای دیگر بکشاید که هم حقیقت داشته باشد. و هم اینکه سندیست رفقا ما را متهم به زیرپساکذاشتن ابتدایی ترین اصول بر خورد میان نیروهای انقلابی میکنند، و ما تعجب میکنیم که چرا شما از این "ابتدایی ترین اصول برخورد میان نیروهای انقلابی" مبنی بر اینکه محبت ها و پیشنهاد های خصوصی درون نشست ها، و کمیته های غیر علنی و علنی را - حتی در صورت صحت و حقیقت آنها! - نباید بصورت علنی وبدون اطلاع طرف مقابل منتشر ساخت، اطلاع ندارید؟ و نیز اینکه تمیذانند نسبت دادن مطالب آنها به نیروی سیاسی، چه رسد به نیروی انقلابی، باید سندی داشته باشد.

وانگهی، رفقا! انصافاً بگوئید کدام طرف مسأله را به جزئیات کشاند است؟ چه کسی مبارزه ایدئولوژیک را به موضوعات فرعی کشانده است؟ آیا مقاله "پوشش بی طرفی" را بدون وارد کردن آن انتسابات ناروا به "رزمندگان" و "پیکار" نمیتوانستید بنویسید؟!

رفقا! آیا بهتر نیست که مبارزه ایدئولوژیک را به مجرای اصلی خود بیاوریم و در جای دیگر حقانیت خود را به اثبات رسانیم! *

بقیه از صفحه ۲ سرمقاله

مستقل و انقلابی بر علیه نیروهای ضد انقلابی سابق مبارزه کنیم. و خود ایتکارا در دست کیریم و با حفظ استقلال خویش در جریان مبارزه، تو ده ها را علیه ضد انقلاب قدیم بسیج کنیم! حتی اگر ضد انقلاب حاکم در اینجا با ما در عمل همسو شده است. ولی آیا این امر به معنی تسلیم ما به ضد انقلاب حاکم است: نه! ابتدا! اینست فرق میان مارکسیسم - لنینیسم و اپورتونیسم!

اما با یک مسئله ای است با توجه به وضعیت جنبش کمونیستی، پراکندگی نسبی حاکم بر آن علی رغم پیشرفت در امر وحدت، آیا میتوان و یا باید در برابر جنبش انقلابی توده ها وظایف سنگینی که اوضاع پیچیده تریبورتک باز ما - نه ای کمونیستی در قبال مسائل مشخصی اعمال میکند، بصورت جداگانه و تک تک وارد عمل گردید؟

آیا بتا نیل روز افزون مبارزه طبقاتی و مقاطع مورد ذکر، ما توانایی ما بطور جداگانه میخوانند؟ پاسخ منفی است.

وحدت حول برنامه مشخص میر - مترین وظیفه همگی ما است. ما برای تحقق آن کامهای بهم خویش برداشته ایم چنانکه به مسأله مبارزه ایدئولوژیک جدی در تبیین از مواضع برنامه خود در نشریه دست زدیم و تلاش در راه وحدت را عمده ترین وظیفه جنبش تلقی میکنیم. هر کس به هر نحو بر سر راه وحدت و مبارزه ایدئولوژیک لازم آن مانعی قرار دهد، در واقع به جنبش ضربه زده است. تنها راه پاسخگویی صحیح و قاطع به مسائل جنبش کمونیستی، راه رسیدن به حزب کمونیست، در حال حاضر عمدتاً مبارزه برای وحدت و مبارزه ایدئولوژیک در این راه و تدوین برنامه انقلابی میباشد. این امر هید مرحله ای جنبش کمونیستی ما است که بطور روزمره و همیشگی و با وقوف کامل نسبت به آن تاکنون حرکت کرده ایم و از این پس نیز بطور عمدتاً در انبساط میکنیم.

اما اگر ما از شرایط مقطعی صحبت میکنیم که این امکان وجود

دارد که بدون رسیدن به وحدت ضرورت اقدام وسیع در سطح جنبش بطور مبرم بوجود نیاید و ما نتوانیم بطور جداگانه به این ضرورت پاسخ دهیم آنگاه چه باید بکنیم؟

وضعیتی نظیر کودتا به ما گوشزد میکند که چه با چنین شرایطی یا شرایطی ما نتوانیم مد انقلابی پیش از آنکه ما بتوانیم به وحدت دست یابیم صورت پذیرد. ما در این شرایط چگونه از عهده وظایف سنگین خویش در ادا ما امر انقلابی برخواهیم آمد. توده ها به پیش میروند. ما باید باز به ناظر فعال و نه رهبر جنبش، نه هدایت کننده و ما زمان دهنده آن تبدیل شویم. اینست مسئله ای که شرایط مقطعی به ما میگوید و باید برای آن فکری بکنیم. بنظر ما، هرگاه نیروهای انقلابی اتحاد عمل نداشته باشند، هرگاه در جنبش مقاطعی نیروهای پراکنده برآیند و اجدی در عمل مشخص نداشته باشند طبعاً نمیتوانند بطور موثر بر جنبش انقلابی تاثیر بگذارند. چنین اتحاد عملی حول مسائل معین و برای مقاطع معین است. ما باید از هم اکنون با نقشه مشخص چنین اتحاد عملی را پیش بینی کنیم و برای آن آمادگی لازم را داشته باشیم تا در صورت لزوم بتوانیم با سرعت دست به اقدام بزنیم.

چنین اتحاد عملی هرگز به معنای ارائه آلترناتیوی در مقابل وحدت نیست. ما باید کار عمده و اساسی خود را وحدت قرار دهیم و در این راه لحظه ای از پانثینیم. چنین اتحاد عملی به معنی برآیند مشترک در عمل مشخص آنهاست تحت شرایط مشخص است. و نه هیچ چیز دیگر. جنبش انقلابی به پیش میرود و ضد انقلاب بطور کلی دست به انواع دسایس علیه آن میزند. توده ها میخواهند دنیای نوینی بسازند و ضد انقلاب با کودتا و انواع باصطلاح انقلابات فرهنگی و غیر فرهنگی، ... آنان را سرکوب مینماید. ضد انقلاب حاکم و غیر حاکم هر دو در این امر متحدند! وظیفه ما، گسترش مبارزه طبقاتی و پیشبرد امر انقلاب است! در راه آن به پیش! *

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی!

اصلاحات ارضی...

بر حمایت از سرمایه داران خصوصی، از طریق سرکوب جنبشهای توده ها و ایجاد شرایط مسا عدل برای فعالیت اقتصادی این سرمایه داران بود. ۲- جنبشهای دهقانی که با تأخیر پذیری از جنبش عمومی توده ها در دوران اعتلا و روگودنسی خود هیات حاکمه را "نه عقب نشینی اجباری و تثبیت به وعده ها مجبور ساخته. جنبشهای دهقانی توانسته اند سیاست عمومی تعرض حکومت نسبت به این جنبشها و اعمال سیاست عمومی آنرا در حمایت از نظام سرمایه داری وابسته تا حدودی خنثی نمایند.

در اوغرتاستان و اوائل پائیز ۵۸ جنبشهای دهقانی رویه رشد میگذارد و با ردیگر به عنوان یکی از مضعلات حکومت در حفظ نظام موجود و یا لایحه در روستاها سر بر میگذارد. هیات حاکمه قبل از اوگیری مسجد جنبشهای دهقانی در پائیز و برای آرام نمودن آن لایحه ای را بصورت یب میرساند تحت عنوان لایحه "واگذاری و احیای اراضی" در این لایحه (که در اوغرتا و روستاها رونق پیدا میکند. نظام موجود در روستاها و نتایج اصلاحات ارضی رژیم شاه به رسمیت شناخته شده و تخطی ناپذیر اعلام میگردد، بند ۲ برای آرام نمودن جنبشهای دهقانی لایحه "واگذاری-راضی موات را با شرط های مختلفی وعده میدهد.

در کنفرانس مسائل کشاورزی که به ابتکار وزارت کشاورزی در مهر ماه بمنظور "محبوب" نمودن این لایحه تشکیل میشود عمدتاً مالکین و خرده مالکین شرکت مینمایند. در این کنفرانس لایحه مزبور بعنوان حمایت جمهوری اسلامی از مالکیت دهقانان تبلیغ شده و وعده "واگذاری اراضی موات بعنوان اوج ترقی خواهی جمهوری اسلامی معرفی میگردد. این لایحه که توسط بورژوازی لیبرال تهیه شده بود مورد پشتیبانی مجموعه هیات حاکمه که در پی ساداری از نظام سرمایه داری وابسته متحد میباشد قرار گرفته بود. ایزدی در توجیه لایحه "فدا انقلابی فسوق میگوید:

"اصلاحات ارضی انجام شده و دیگر فواید لایحه در ایران از زمین رفته است"

با تعبیرات دیگر دلیلی بر حقانیت جنبشهای دهقانی نیست و نکات و اعتراضات آنها میتواند از طریق قانونی و اساساً از طریق واگذاری اراضی موات جبران شود.

آیت الله منتظری در نماز جمعه ۱۱ آبان در دفاع از سیاست هیات حاکمه میگوید:

"کشاورزان عزیز و محترم بی جهت سرزمینها جنگ نکنید سهرکس زمین را احیا میکند. دیگری حق ندارد مزاحمتش پشود و در صد اعتراض بر آید. زمین خدا، بیایان را که فرد مسلمانی احیا کرده (والیته منظور وضعیت موجود در روستاهاست - روزندگان) توحق نداری تصرف کنی. اگر زمین با بیافتاده و کسی احیایش نکرد دست بردار و احیا کن"

و از زبان مهره دیگری از هیات حاکمه در مورد وعده "واگذاری اراضی موات چنین گفته میشود:

"البته شرط و شروطش اینست که اول به آنها اجازه میدهم اگر خوب کار کردند و زراعت کردند به آنها واگذار میشود و در غیر این صورت اگر رول کردند و رفتند شهر فقط دلشان خوش بود که مالکشان هستند پس از سه سال مجبوریم از آنها بگیریم و به دیگری واگذار کنیم." (اطلاعات ۲۹ مهر - ایزدی وزیر کشاورزی)

سیاست هیات حاکمه بر کسانیکه با وضعیت روستاها آشنا هستند روشن بود. و بخصوص برای دهقانان بهتراز هر کس دیگر قابل فهم بود. که تا چه اندازه مزورانه و فریبکارانه است. هزینه سنگینی احیای اراضی موات و تمام وامها و تعهداتی که توده دهقانان میبایست نسبت به نظام سرمایه داری وابسته برای استفاده از چنین مرحمتی متحمل شوند بسیار واضح تر از آن بود که بتوانند توده دهقان را بفریبند. جنبشهای دهقانی درست بر علیه همان چیزی رویه رفتند که جوهر اصلی این لایحه را تشکیل میداد، یعنی تثبیت اشکال مالکیت و کلاً نظام حاکم بر

روستاها.

مالکین از لایحه فوق به رضایت آمده و برای باز پس گرفتن مواضع از دست داده شده تشجیع میشوند. مثلاً در نواحی مختلف ما زنده ران ایادی زمینداران بزرگ به آتش زدن خرمنهای کشت شده توسط دهقانان بر روی زمینهای صادر شده میپردازند. مزدوران زمینداران به دهقانان حمله میکنند و به ضرب و جرح آنها برای بیرون راندن آنها از زمینهای صادر شده میپردازند. در عوض دهقانان نیز به مبارزه خود بر علیه مالکان شدت میبخشند. در روستاهای اطراف قائم شهر دهقانان از پرداخت بهره مالکانه (اجاره) خودداری نموده و با زانداران مبارزه میپردازند. سادارها که به حمایت از مالکان برخاسته اند به مبارزه میپردازند. در روستاهای "پنهانجی" همین حرکت از سوی دهقانان صورت گرفته و به درگیری مشابه کشیده میشود. خودداری از پرداخت اجاره و سهم مالک در جمالی کلاً با عت میشود که دهقانان در قبایل دیسه های مالک به خانه او ریخته و او را کتک بزنند و البته دنگاهن از روستایان را به زندان میکشاند. در روستاهای اطراف آمل دهقانان زمینهای مالکین را صادره میکنند. در یکی از روستاها زمیندار بزرگ ده ۷۰ نفر چاقو قسار مسلح را اجیر نموده به دهقانان حمله و میکشند و عده ای را زخمی نموده و تراکتور آنها را آتش میزنند و ...

در ماه آبان اتحادیه سراسری دهقانان ترکمن صراحتاً تشکیل شده و مبارزات دهقانان در این منطقه اوج تازه ای میگیرد. نمایندگان اتحادیه های روستاهای مختلف عزم را سخ خود را در مبارزه زمینهای غصب شده آنها اعلام نموده و آمادگی خود را برای دفاع از دستاوردهای خود اعلام میکنند. در همین ماه خوش نشینا روستاهای اتابک فارس ۵۰۰ هکتار از زمینهای مالکین را صادره نموده و زیر کشت میبرند و در مقابل تلاشهای مالکین که از طرف کمیته وسپا به ساداران منطقه پشتیبانی میشود مقاومت مینمایند و ... اینها تنها نمونه های از اوگیری جنبشهای دهقانی در اوائل پائیز هستند.

طبعه رشد مجدد جنبشهای دهقانی در زمانی در عرصه "پنهان و روستاها میدرخشد که هیات حاکمه با رشد جنبشهای کارگری و با تکامل آگاهی توده ها نسبت به ناتوانی حکومت و با پیشرفت های سریع جنبش انقلابی خلق کرد و شکست تهاجم مرداد ماه به کردستان و روستا. اختلافات درون هیات حاکمه پس از ماه عیان میشود. جناح بورژوازی لیبرال که عهده دار مسئولیت های درونی و رقابت های شدید جهت بدست آوردن موقعیت های مخالفت های درونی و رقابت های شدید جهت بدست آوردن موقعیت برتر مواجه میشود طرح اشغال "سفارت آمریکا" از سوی محافل مرتبط با خرده بورژوازی حاکم تهیه شده بود. مورد پشتیبانی این جناح قرار گرفت. این جناح برای جبران تضعیف موقعیت مجموعه هیات حاکمه بر اثر رشد مبارزات روستاها و برای بدست آوردن موقعیت برتر و تحکیم همبستگی خود در هیات حاکمه به اشغال سفارت تن در میدهد و میکوشد تا تمام اذهان را متوجه اعمال خارجی و جناح رقیب خود بینداند. اما عوارض افشاگری بر علیه بورژوازی لیبرال و وابستگی عناصر آن به امپریالیسم آمریکا در متن استعداد عظیم توده های مردم در مبارزه "فدا میریالیستی ابعاد بسیار وسیعتری از آنچه مورد نظر جناح خرده بورژوازی حاکم بود بخود گرفت.

سقوط سیاسی بورژوازی لیبرال از موقعیت قبلی خود بسیار آسان جاری هیات حاکمه را در عرصه های مختلف (سرکوب در کردستان، لغو آزادیهای دمکراتیک سیاسی، و جلوگیری از اعتراضات و ...). چهار ضربات شدیدی نمود. اگرچه "شورای انقلاب" که بجای کابینه بازرگان عهده دار رسمی مسئولیتها شده بود، با حفظ ترکیب همان کابینه و بسیار مدور بیانه "برادرمه همان سیاستها تاکید داشت اما قادر به کنترل عوارض ناشی از دگرگونی در اوضاع سیاسی جامعه نبود. "شورای انقلاب" حتی به بیانه "خطرا میریالیسم آمریکا خواهان اطاعت کامل توده ها از قوانین و مقررات جاری شود هرگونه تحمّن و اعتراض و حرکت خود جوش توده ها را ممنوع اعلام کرده و تهدید به سرکوبی آن نمود. اما توده ها مبارزه فدا میریالیستی را بدرستی تفسیر نموده و به تعرض خود بر علیه نظام اقتصادی - اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه افزودند علاوه بر این عربان شدن تضادهای درون هیات حاکمه در اوضاع جدید سیاسی به حرکت های متناقضی در دستگا های اداری و نظامی "جمهوری اسلامی"

منجر گشت که بنوبه خود حکومت را در پیگیری سیاستهای گذشته نتوان
میساخت. و چگیری مبارزه توده ها از یکسو و نتوانی درونی حکومت از
سوی دیگر عیب نشینی های اجباری در عرصه های معینی را تصریح نمود
یکی از این عرصه ها روستاها و جنبش دهقانی بود.

بمعنای نمونه میتوان رشد جنبشهای دهقانی در فارس را ذکر کرد.
در اوایل آبان ماه در روستاهای اطراف مرودشت دهقانان به مبارزه
اراضی مالکان میپرداختند. در ده "میدان" ۲۰۰ هکتار اراضی یک مالک
سوی ۶۶ نفر از دهقانان و خوش نشینان معارضه میشود. در محمودآباد
همان ناحیه ۱۲۰ هکتار دیگر از زمینهای همان مالک توسط ۵۲ نفر از
زحمتکشان روستا در حسین آباد دهقانان سه دهکده با مشارکت یکدیگر
۲۶۰ هکتار از زمین بزرگ مالک منطقه را تصرف خود در آورده اند. در ده
لت آباد عده ای از اهالی بصری ۱۶۰ هکتار زمین و حلقه چاه را بعد از
۱۷ سال زورگویی خان معارضه نمودند.

در مزارع "کوبچه" دهقانان مجموعاً ۲۰۰ هکتار اراضی را باز پس
گرفتند. در روستای دیگری ۴۰۰ هکتار زمین را دهقانان در اختیار
خود گرفتند. در روستای "بنداسیر" ۴۴۰ هکتار از اراضی معارضه شده توسط
دهقانان که در اوایل تابستان توسط مالک پی گرفته شده بود دوباره به
همراه اراضی بیشتری به معارضه دهقانان درآمد.

نمونه فوق در مازندران نیز قابل مشاهده است. در اوایل آذر
در این منطقه جنبشهای دهقانی به شکل جدید (تظاهرات بر علیه آمریکا
و مالکین بزرگ) رشد میکنند که با عمل مشخص معارضه همراه است. در "کما
نگرکلا"، "علی آباد"، "انبار"، "پولی کلا"، "سرخه کلا"، "نظام آباد"
"رشکلا" و... توسل دهقانان به اشکال مختلف مبارزه شدت یافته و با
تظاهرات بر علیه آمریکا معارضه اراضی توأم میگردد. در خوزستان و
راک نیز نهضت معارضه اراضی و تظاهرات بر علیه مالکان گسترش مییابد
بدو...

رشد جنبشهای دهقانی در پهنای غیر از علت های مربوط به تولید
(فصل کشت و در بر برخی مناطق برداشت) از علت های سیاسی جاری در جامعه
ضعف هیات حاکمه تا شیرات مهمی گرفت. قدرت این جنبشها تا آنجا بود
که حکومت را وادار به اعتراف به تجدید نظر در سیاست جاری خود نمود
سیاستی که بهر حال در عرصه عمل به ابتکار دهقانان شکست خورده بود.
هنوز بحث در مورد لایحه "واگذاری اراضی" در اقطای کنفرانس
طنین میانداخت در حالیکه تصمیم انقلابی دهقانان لایحه را به
بگانی تاریخ سپرده بود! وزارت کشاورزی در اوایل آذر ماه
مجبور شد که عملاً (و بندها رسماً) تحفه کاسبینه بیژر زوی لیبرال
یعنی ایزدی را کنار بگذارد. برای معارضه نمودن جنبشهای دهقانی
چریکات مختلف خرده بورژوازی به تلاش افتادند. در این میان رضا
امضانی (معاون وزارت کشاورزی) از همه بیشتر میکوشید تا توسعه
دهقان و جمهوری اسلامی را با یکدیگر سازگار و در واقع اعتماد اولی را
به دومی جلب و دومی را به ضرورت تجدید نظرهای لایحه در سیاستهای گذشته
آشنا نماید. امضانی "میکوشید تا ابتکار انقلابی دهقانان را ببنفس
زایه استماع و صبر محو بانه آنها تبدیل کند. او میکوشید تا واسطی
میان جنبش دهقانان فقیر و متوسط و جمهوری اسلامی گردد. واسطی
و فاداریه این جمهوری. او میگفت:

"مالکیت های بزرگ خلاف شریعت اسلام قانونی نخواهد
بود"
"زمینها بطور تعاونی تقسیم میشود"
"مالکیت های بزرگ ارضی دولت مورد بررسی قرار
خواهد گرفت و تصمیمات لازم اتخاذ خواهد شد"
"غاصبین زمینهای کشاورزی باید بداند مجری تقسیم
زمین دولت خواهد بود، نه افراد"
تقسیم اراضی کشاورزی بین کشاورزان که بر روی این

اراضی کار میکنند و استحقاق آن را دارند تا کنون حرف
بوده ولی از این پس با توجه به متغیرهای اسلامی و قان
نون اساسی... برای همه امکان کار بر روی زمین
ایجاد خواهد شد.
"این درست نیست که عده ای بنام مجری قانون زمین
های دیگران و باغهای مردم را مورد تاخت و تاز قرار
دهند."

کیهان ۱۷ آذر ۵۸

تنها حسنی که در عده های زمامداران وجود داشت این بود که
اولاً با اعتراف به شکست سیاستهای گذشته جمهوری اسلامی توده دهقانان
ن را در ادامه مبارزات خود تشویق می نمود و ثانیاً لایحه ای را
جمهوری اسلامی را دچار سرگیجه و تناقض میکرد. بطوریکه حتی در مورد
افراد خرده بورژوازی بعضی از ارگانها (پاسداران، اعضا جهاد ساز
تدکی) از به حمایت خود سرانه از توده دهقانان کشتند بطوریکه مثلاً
در ۲۵ آذر ۵۸ در کیهان میخوانیم: "از سوی سپاه پاسداران به کشت
ورزان خوزستان اجازه داده شد (۱) زمینهای با بر فوئد الهی را
تصاحب کنند... در ادامه اطلاعیه (پاسداران) به دادگستری
انقلاب آمده است: بردارگانهای انقلاب اسلامی است که با معارضه
اموال و اعدام این زالوهای خونخوار انتقام تمامی مستضعفین
خاک را از آنان بگیرند. ما پاسداران انقلاب اسلامی به نوبه خود به
تمام فوئد الهی و زمین خواران ایران و بخصوص خوزستان در مورد
واگذاری زمینهای تصاحب شده به کشت ورزان مستضعف اظهار میکنیم (۲)
حرکت انقلابی دهقانان و تشتت ارگانهای سرکوبگر جمهوری
اسلامی در برخورد با آنها البته برای هیات حاکمه غیر قابل تحمل بود. شو
رای انقلاب برای اینکه هرگونه توهم خارج از چهار چوب مورد نظر
نظام سرمایه داری وابسته را که میتواند از اوضاع سیاسی و تضادهای
درون هیات حاکمه برداشت شود را بزداید در ۵ دی لایحه قانونی جدیدی
را بتصویب رساند.

متن لایحه قانونی مجازات اخلال در امر کشاورزی به شرح زیر
است:

"ماده ۱ هر کس بدون مجوز قانونی اقدام به تصرف
اراضی مزروعی و باغات و قلمستانها و اراضی و مراعات
ملی شده و امثال آنها منابع آب و موسسات کشاورزی و
تاسیسات دامداری و واحدهای کشت و صنعت واقع در محد
وده یا خارج از محدوده شهرها و روستاها بنما یا عمداً
اینکه اراضی مزبور زراعت شده و یا در حال زراعت باشد
و نیز هر کس با صحنه سازی از قبیل بی کنی - دیوار کشی
کرت بندی، نهر کشی، غرس اشجار، زراعت و امثال آنها
به تهیه آثار تصرف در اراضی متصرفی به منظور متصرف
و ذیحق معرفی کردن خود اقدام نماید به حبس جنحه ای
از سه ماه تا یکسال محکوم میشود و علاوه دادگاه میتواند
مرتکب را به اقامت اجباری از سه ماه تا یکسال در یکی از
نقاطی که وزارت دادگستری تعیین خواهد نمود محکوم
نماید" (۵ دی، کیهان)

در سر تا سر زمستان ۵۸ سه جریان مختلف در رابطه با مسئله ارضی
دهقانی بیوض نمایان میشود:

الف - جنبشهای دهقانی که علی رغم تهدیدهای حکومت و ایضاً
و عده های آن هم چنان روبه رشد میگذازد. در آخرین روزهای آذر ماه
در روستای بیدزرد گساران اجتماعی از عشار زحمتکش تشکیل شده
که در آن خواهان تقسیم اراضی مالکان، بخشودگی وامها و مبارزه
با امپریالیسم آمریکا میشوند. تنها در ماهی در فارس و مازندران
و آذربایجان معارضه زمین معارضه میشود و در مواردی شورشهای
قهرآمیز دهقانی وقوع مییابند (مانند "بیشه کلا" در مازندران) در

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

بقیه از صفحه ۸۴

مشاجره...

آنها) میباشند. و اینها هستند که بنا بودی سرما به داری وابسته به امپریا یا لیسم و قطع کامل نفوذ امپریا - لیسم را در ایران ممکن میکنند، آنگاه بر ما معلوم میشود که چنین جنبشی هنوز نه تنها کاملاً به مسیر صحیح خود نیفتاده بلکه رهبری آن در دست خود آن نیست. خرده بورژوازی از آن حاکم رهبر بوده ها در مبارزه انقلابی آنها چه بر علیه سرما به داری وابسته و چه قطع کامل نفوذ امپریا یا لیسم نیست. آنها رهبر بوده ها در مبارزه علیه ضد انقلاب حاکم نیستند، زیرا خود چیزی از آن بشمار میروند. آنها بخشی از مردم متوهم را بدنبال خود دارند. اما نه در مبارزه انقلابی، معیار ما در اینجا نیز روشن است. اما کار را با تصویر واژگونه از واقعیت نه تنها جناحی از هیات حاکمه را انقلابی ارزیابی میکند، بلکه همزونی خط امسار را نیز میپذیرد. آنها میگویند:

"رفقای! اقلیت بدون آنکه خود متوجه باشند بر همزونی خرده بورژوازی در جنبش ضد امپریا لیستی صحه گذاشته اند. چرا که برای داشتن همزونی در جنبش دو شرط لازم است: یکی آنکه نیروی مورد بحث (یعنی خرده بورژوازی حاکم - روزندگان) در درون جنبش خلق با تدبیر سیاسی گرایش غالب در مجموعه حرکت وی، گرایش ضد امپریا لیستی، هر چند ناپیگیر "ضعیف" باشد (یعنی خلق - هر کس گرایش هر چند ناپیگیر و ضعیف ضد امپریا لیستی دارد روزندگان) و دیگری آن که از بیشترین اعتماد توده ای و قدرت بسیج توده ای برخوردار باشد، یعنی اکثریت توده های که در جنبش ضد امپریا لیستی شرکت دارند، از آن نیرو و تبعیت کنند" (هما تجا)

کافیست دو شرط فوق از نظر "س.ج" فراهم باشد، تا همزونی در جنبش انقلابی تامین شود. در اینجا هدف انقلاب تنها "قطع نفوذ امپریا لیسم" یعنی "استقلال بورژوازی" است، نه تاسیس سیستم موجود و قطع کامل نفوذ امپریا لیسم. حال آنکه در ایران اصولاً مبارزه واقعی علیه امپریا لیسم از مبارزه علیه سیستم موجود جدا نیست. بنظر "س.ج" کارگران، دهقانان، و خلقهایی که علیه روابط موجود مبارزه میکنند، منحرف

شده اند و به همین خاطر هیات حاکمه انقلابی آنها را سرکوب میکنند؟! آنها از ضعف مبارزه علیه امپریا لیسم خارج شده اند؟ خلق کورد متحدا امپریا لیسم است؟! آیا بنظر "س.ج" دهکده داران خیابان صدق همان عاملان امپریا لیسم هستند؟ و هیات حاکمه بدرستی خلق ترکمن را به عنوان ضد انقلاب کشتار کرده است؟ جواب "س.ج" با توجه به معیار آن (هر چند ناپیگیر و ضعیف اما، به اندازه سرور زنی علیه امپریا لیسم = خلق!) باید مثبت باشد. "س.ج" با قبول این همزونی با پرده انداختن بسوی نیروهای محرکه انقلاب ما، بولمخدوش کردن صفوف انقلابی، علیه امپریا لیسم بدرستی عمق سازشکاری و اپورتونیزم خود را در عیارت نقل شده بیان میدارد.

اینکه خرده بورژوازی حاکم بنا امپریا لیسم تفاد نسبی دارد، دلیل نفی تضاد قهر آمیز آن با توده های انقلابی شده است. این که جناح خرده بورژوازی حاکم، سرسپرده نیست دلیل ماهیت انقلابی و جزئی از خلق بودن آن شده است. و اینکه میتواند توده ها را بیشتر بسیج کند دلیل همزونی آن شده است. و همزونی آن دلیل تسلیم "س.ج" به آن میگردد، استدلالی سراپا سگوس.

بر خلاف نظر "س.ج" اکثریت نه تنها نفی همزونی خرده بورژوازی حاکم به نفی خود جنبش منجر نمیگردد، بلکه ما را وادار میکند که با مبارزه انقلابی خود به جنبش شکل بدهیم و همزونی آنرا بدست آوریم. "س.ج" اکثریت "میخواهد با استدلالهای غیر مارکسیستی به ما بفهماند که باید توده ها را ترک کرد و "بهشتی ها" را بسید. آنها رهبران جنبشند زیرا میتوانند بسیج کنند و همچنین مدعی مبارزه ضد امپریا لیستی اند!

حال آنکه ما باید کارگران و توده های دهقانان و زحمتکشان را بر علیه سیستم موجود، بر علیه همسواران اروپا یگا های امپریا لیسم و بر علیه ضد انقلاب حاکم بسیج کنیم. هرگز نباید چشم خود را از نیروی لایزال توده ها برداشت. هرگز نباید توده ها را با عطف توجه آنان به مسائل غیر اساسی مبارزات جزئی منحرف نمود. در حالیکه حکومت هر روز بهانه های "ضد امپریا لیستی" توده ها را سرکوب میکند، بوی از هر کودتا در ارتش تنها به تظہیر آن میپردازد.

و با زمین ارتش را به سر وقت خلق کرد میفرستد (س.ج. توجه کنید!)، در حالیکه میلیونها زحمتکش از فسطح فقر، بیکاری، نگرانی رنج میکشند، در حالیکه بیکاران دهکده در تنهایی علت اینک برای دولقمه نان شب حاضر نیستند که های خود را ببندند به گلوله بسته میشوند و بشهادت میرسد، در حالیکه علیه انقلابیون کمونیست و غیر کمونیست توطئه ها میچینند، در حالیکه را دیو و تلویزیون یون به مرکز تبلیغ علیه کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی تبدیل شده است (و نه علیه امپریا لیسم!) در این حال "س.ج" میگوید: آنها چه بخواهیم و چه نخواهیم همزونی را بسپرده دارند، البته که دارند؛ اما همزونی سرکوب و کشتار انقلابیون را! همزونی ضد انقلاب حاکم را!

بازی با مفاهیم مارکسیستی و تبدیل آنها به اسلحه ای علیه مارکسیسم، رویزیونیسم در تنگنای اپورتونیزم راست در عمل حاصل همه مواضع سیاسی و تحلیلهای تئوریک "س.ج" شده است. آنها به اقلیت حمله میکنند، اما برای تثبیت موضع اپورتونیزمی خود آنها علیه امپریا لیسم فریاد میکشند، اما به بهای همکاری و سازش با ضد انقلاب بر علیه انقلاب، نه با تجهیز

بقیه از صفحه ۶

کردستان اتحادیه های دهقانی اکثر مناطق کردنشین را میپوشاند و دهقانان بکمک نیروهای انقلابی به مصادر اراضی مالکان بزرگ و بیرون راندن آنها از روستاها و دفاع مسلحانه از حقوق خود ادامه میدهند.

ب- تجدید نظر در سیاست گذشته جمهوری اسلامی که اگر چه با خطر شدت مبارزات دهقانان به اجرا در نیامده و در سطح وعده و بررسی باقی است اما میگوید نهضت انقلابی دهقانان را منحرف نموده و بر آن مهار بزند و مسئله را با اصلاحات بوروکراتیک بنفع جمهوری اسلامی خاتمه دهد. رضامتنی در زاین این جریان است که در اطاقهای کنفرانس و کمیسیونهای مختلف هیات حاکمه از جنبشهای دهقانی و جنبشهای دهقانی را از هیات حاکمه میترساند. او خود اگر چه معاون وزارت خانه جمهوری اسلامی است اما ذهن بسیاری از روشنفکران انقلابی را بخود مشغول داشته عده ای سیاست اصلی خود را حمایت از اقدامات "استاد" گذارده (مجاهدین) وعده دیگری بصورت مشروط، مشروطه در مقابل "چپ رویهای او" از حمایت میکنند (اتحادیه کمونیستهای ایران!)

ج- سیاست مجموع هیات حاکمه جمهوری اسلامی که هم چنان مبتنی بر احترام بر مالکیت "شرعی و عرفی مالکان" است و برای هیچ تغییر مهمی و چیزی جز اصلاحات ناروین و محدودی آماده نیست! مادر مجموع بغلت ناتوانی خود در مقابل جنبشهای دهقانی، تشتت درونی و اوضاع سیاسی جاری بحالت انفعال افتاده است.

"ادامه دارد"

توده ها به راه حقیقی انقلاب آورده است. لاله با کلمات واقعیت را آشکارا نمیکند. اما زمانی که میخواند با مثل یک دانش آموز میپرسد: "سیم" یا اینکه همیشه باید کلمه را معنایی باشد. مفیدست و فلسفیان "س.ج" پاسخ میدهد: "مسلم است! اما نباید خویش را بیش از اندازه مشغول ساخت. در هر جا مفهومی نبود، میتوان به تناسب مقاله به کلمه ای مناسب تمسک جست، به وسیله کلمات به آسانی وثابستگی میتوان جدل کرد و با کلمات میتوان دستگامی ساخت. کلمات به سهولت تلقین عقیده میکنند و نباید یک نقطه آسرا نیز حذف کرد.

(نقل از فاقوست - اثر کوتاه - ترجمه فارسی ص ۱۹۴)

آری از کلمات میتوان ان دستگاهی ساخت. اما این دستگاه مارکسیسم نیست. این دستگاه همه معیارها را از گونه میسازد و واقعیت را در دستگاهی غیر مارکسیستی آنچنان جلوه میدهد که "مارکسیسم" به دشمن "انقلاب" و متحد هیات حاکمه ضد خلقی یا جناحی از آن مبدل میشود نام دیگری دارد. رویزیونیسم، نام براننده است. چنین دستگاهی نمیتواند عمر زیادی بکشد. کلمات را واقعیت بر خلاف نظر مفیدست و فلسفیان تا بخواهد نگردد، مگر شیطان آنها را حفظ کند!

بقیه از صفحه ۶

کردستان اتحادیه های دهقانی اکثر مناطق کردنشین را میپوشاند و دهقانان بکمک نیروهای انقلابی به مصادر اراضی مالکان بزرگ و بیرون راندن آنها از روستاها و دفاع مسلحانه از حقوق خود ادامه میدهند.

ب- تجدید نظر در سیاست گذشته جمهوری اسلامی که اگر چه با خطر شدت مبارزات دهقانان به اجرا در نیامده و در سطح وعده و بررسی باقی است اما میگوید نهضت انقلابی دهقانان را منحرف نموده و بر آن مهار بزند و مسئله را با اصلاحات بوروکراتیک بنفع جمهوری اسلامی خاتمه دهد. رضامتنی در زاین این جریان است که در اطاقهای کنفرانس و کمیسیونهای مختلف هیات حاکمه از جنبشهای دهقانی و جنبشهای دهقانی را از هیات حاکمه میترساند. او خود اگر چه معاون وزارت خانه جمهوری اسلامی است اما ذهن بسیاری از روشنفکران انقلابی را بخود مشغول داشته عده ای سیاست اصلی خود را حمایت از اقدامات "استاد" گذارده (مجاهدین) وعده دیگری بصورت مشروط، مشروطه در مقابل "چپ رویهای او" از حمایت میکنند (اتحادیه کمونیستهای ایران!)

ج- سیاست مجموع هیات حاکمه جمهوری اسلامی که هم چنان مبتنی بر احترام بر مالکیت "شرعی و عرفی مالکان" است و برای هیچ تغییر مهمی و چیزی جز اصلاحات ناروین و محدودی آماده نیست! مادر مجموع بغلت ناتوانی خود در مقابل جنبشهای دهقانی، تشتت درونی و اوضاع سیاسی جاری بحالت انفعال افتاده است.

"ادامه دارد"

مشاجره...

کمونیستها دارند، (بخوان در برابر توده ها) بلکه بر اساس ضدیتی که با سرمایه انحصاری دارند، انتخاب میکند. در چارچوب این تفکر خرد بورژوازی ارتجاعی (بخوان خرد بورژوازی حاکم) و محافظه کار در دست به همان اندازه انقلابی است که خرد بورژوازی انقلابی، انقلابی است. زیرا هر دو در هر حال با بورژوازی بزرگ میسازند. هر دو ضد سلطه امپریالیسم هستند منتهی یکی شکوشتد، چرخ تاریخ زایه عقب با زگرندند، دیگری دزجهت حرکت تاریخ گام آیدارد "حزب توده" این دو جهانب را یکی میببیند "گار ۵۶ - ۱۰ ص" هیچ معلوم نیست مخاطب کار ۵۶، کار ۵۹ است کار ۶۳ است یا حزب توده!

آنچه "گار" حتی خود گفته است هم در اینجا نقض میکند. آنها سؤال میکنند خرد بورژوازی حاکم با امپریالیسم عمدتاً در وحدت است یا تضاد؟ آنها نمیبرسنند خرد بورژوازی حاکم با سیستم حاکم کنونی، با کارگران توده دهقانان و زحمتکشان و خلاصه با انقلاب عمدتاً در تضاد است یا وحدت؟! آنها سؤال دیگری را مطرح میکنند که طرح آن برای تعیین ماهیت هیات حاکمه انحرافی است و جوابی را مطلبند که اگر چه آنها هم روشن است اما چیزی را برای ما ست نمیدهد.

"س.ج" میدانند که "نه ارتش، نه شهرپاتی، نه ژاندارمری هیچکدام بدون فرمان خرد بورژوازی حاکم حق شلیک ندارند..... کار ۶۳" اما فراموشکارانه نمیدانند "حق شلیک" در چه زمینه ای، علیه چه کسانی به همین ارگانها داده شده است. عمدتاً علیه امپریالیسم یا علیه توده ها؟! اینرا هم "س.ج" جواب نمیدهد. زیرا: خرد بورژوازی که پرولتاریا نیست؟

بدینسان "س.ج" دوستان و دشمنان خلق را برخلاف صریح ترین معیارهای مارکسیسم تنها و تنها بر اساس ضدیت با امپریالیسم تعیین میکند. و همه آنچه را حتی خود زمانی در کار "۵۶" طرح کرده است بکنار زمینند. از زیر بار این سؤال لات شان خالی میکنند و میترسد بخاطر بیاورد که روزگاری (به اندازه ۹ تشریف هفتگی) خرد بورژوازی حاکم را "محافظه کار" بلکه بالاتر از آن

ارتجاعی "ارزیابی کرده است"

"س.ج" میگوید: "یا همین واقعیات اثبات نمیکند که قدرت واقعی چر دست سرما به داری وابسته به امپریالیسم نیست؟ هما نجا ۶۳

در این عبارت در عین حال کسه "س.ج" موقعیت خرد بورژوازی حاکم را طوری جلوه میدهد که گویی بورژوازی بطور کلی از هیات حاکمه رخت پر بسته است، اما با زسؤال حقیقی را که اقلیت از اکثریت دارد سئوالی را که هر مارکسیست باید در برابر خود بگذارد آگاهانه (البته اکنون باید گفت آگاهانه، زیرا یک تئوریسین، کار ۳۳ را نوشته است که لا اقل میدانند در سیاست چه سئوالانی اساسی هستند!) کنارا میگذارد: این قدرت واقعی (که س.ج میگوید در دست خرد بورژوازی است و البته چنین است) چه میکند؟

در بلوک سیاسی حاکم قدرت به میزان بسیار زیادی در دست خرد بورژوازی است و همزومنی بلوک سیاسی را بعهده دارد. اما اصلی ترین مشخصه این بلوک، چیزی نیست مگر جلوگیری از ادامه انقلاب "س.ج" میگوید: ببینید! نگاه کنید در آگاهانهای انقلاب، پاسداران، کمیتههای اتوریته برارتن، انجمنهای اسلامی و... در دست کیست؟ ما میگوییم: آقایان این کافی نیست ببینید! ارگانها چه کسانی را سرکوب میکنند؟ اینها ارگان اعمال قهر علیه

چه کسانی و ارگان حفظ چروا بطبی هستند؟ اگر خرد بورژوازی حاکم، طبقه حاکم اقتصادی جامعه ما نیست، اما از لحاظ سیاسی چه میکند؟ چروا بطی را نجات میدهد؟ تخلاف آن با سرمایه انحصاری از چه موضعی است؟ اینکه خرد بورژوازی حاکم طبقه مسلط اقتصادی نیست، ابتدا به معنی نفی حاکمیت سرما به داری وابسته نمیشد. و هر کس سه کلمه مارکسیسم بداند نمیتواند اینرا بفهمد.

براین دو نتیجه اساسی که ما در اینجا از برخورد (کار - ۶۳) میگیریم، قرار از تحلیل خرد بورژوازی حاکم از لحاظ ماهیت آن و ضدیت آن با انقلاب و بقول کار ۵۶: "کمونیستها! دوم آراشه میسازید جدید برای پیدا کردن دوستان و دشمنان خلق که همانا ضدیت با سرمایه انحصاری است بی تو چه آنگه حامل این تضاد به فکر منافع آتی خویش است یا منافع

آتی خویش! نتیجه بلافاصله دو فرض فوق این خواهد بود که هیات حاکمه بهشتا خلقی است و....

رویزونیستها همیشه در رون حکومت دنبال چیزی میگردند، تا منافع کارگران و زحمتکشان را با اتکا به آن لگد مال کنند. و هر سراز چندگاهی به یک عملکرد با خاصیت از هیات حاکمه یا جناحی از آن متوسل میشوند، تا فقط و فقط "امر انقلاب و مبارزه طبقاتی" را فدای سازشها و منافع خویش نمایند. وقتی رویزونیستها اصرار میکنند که هیات حاکمه جناحی خرد بورژوازی بی دارد که چنین است و چنان، دروا بلکه میخواهند ما هیات خود را نشان دهند و راهی بیابند تا در پناه آن بهر طریق مبارزه انقلابی بر علیه روابط موجود و برای تکامل و پیشرفت حقیقی را ترک گویند.

جناح خرد بورژوازی حاکم، بجای تفسیر انقلابی اوضاع اقتصادی - سیاسی، چه از لحاظ ارضی، و چه از لحاظ تولید منعی،... و حقوق دمکراتیک توده ها، دست به احیاء و احداث تخلال در وضعیت سیستم زده است. اختلالی که وجهه موازی آن ضدیت کامل با توده های انقلابی میباشد. بعضیها گمان میکنند برای حفظ روابط موجود لا اقل ضدیت با انقلاب، باید سرسپرده امپریالیسم بود. آنها برخلاف ادعاهای خود مبنی بر معیار نبودن "مبارزه بر علیه سرما به انحصاری، در تعیین نیروهای انقلاب به همین ورطه درمی غلطند و با آراشه پیش فرض غیر مارکسیستی توضیح حکومت در ارتباط با مفاهیم "وابستگی" یا "استقلال" در حقیقت بردرک طبقاتی و مادی تاریخ خط بطلان میکنند. و مرزهای انقلاب و ضد انقلاب را آگاهانه مخدوش میکنند.

آهزومونی در مبارزه ضد امپریالیستی

کمونیستها به مسئله رهبری جنبش توده ای همیشه با دقت پاسخ میدهند. این پاسخ از این لحاظ که خط سیر حرکت انقلابی را توضیح میدهد و همینطور مکان بیگیری، یا تزلزل در رهبری را از قبل معلوم میکند، حائز اهمیت است. در جنبش انقلابی هرگاه پرولتاریا نتوانسته باشد از زمان انقلابی تاریخی خود را بسازد، از طریق مبارزاتش در راه جنبش بطور عملی قرار نگرفته باشد و برتاه خود را میان میلیوننها

کارگرو توده های زحمتکش تبلیغ نکرده باشد، رهبری جنبش بدست نیروهای غیر پرولتاریا خواهد افتاد.

در این وضعیت جنبش نفی میشود، بلکه دچار تزلزلات و نوساناتی میگردد که آنرا به انحراف و یا بسه شکست منگشا ندویک نمونه بسیار از آنرا ما در جنبش انقلابی ۷ - ۵۶ قیام بهمن ماه دیدیم. طبیعی است که در اینجا هم تنها از روی برنامته و مسائل انقلاب و خط سیر مبارزه طبقاتی میتوان گفت همزومنی جنبش بگدام سمت میروند. و با اصولاً انحراف آن چیست. کمونیستها پیوسته سعی میکنند با شکل پرولتاریا، با ایجاد حزب پرولتاری از طریق پیوند سوسیالیسم علمی با مبارزات طبقه کارگرو حضور فعال در جنبش دمکراتیک همزومنی آنرا بدست گیرند. راه کسب همزومنی پرولتاریا، گسترش مبارزه پرولتاریا و تشکیل و هدایت آن توسط کمونیستها و حفظ صف مستقل پرولتاری از طریق حزب طبقه کارگراست. بجزای این جنبش انقلابی به مجرای انحراف و شکست نهایی کشیده میشود.

نیروی که همزومنی مبارزه توده ها را در دست دارد، خود باید جزئی از نیروی انقلاب باشد. چه مبارزه در مبارزه توده ها نیرویی ضد انقلابی است و آنرا با انحراف و شکست همراه سازد و به خیانت کشاند. چه هیات حاکمه سعی میکنند با سوار شدن بر جنبش انقلابی، آنرا از زور در رویی با خود، بدرود رویی با جنبه های فرعی، جزئی و انحرافی بکشاند. بنابراین ماهیت نیرویی که رهبری با اعمال قدرت بر جنبش را در دست دارد حائز اهمیت است.

خلاصه کلام با دیدید: اولاً: در جنبش انقلابی چه چیزی باید منهدم شود، ثانیاً: نیروهای محرکه انقلاب چه کسانی هستند، ثالثاً: کسانی که کوشش میکنند

جنبش را زیر سلطه خود بگیرند چه کسانی هستند و چه میکنند. اگر توجه کنیم که مبارزه توده های مردم متوجه استقراار حکومت انقلابی و نابودی سرمایه داری وابسته است. توجه کنیم به اینکه در انقلاب ما نیروهای محرکه، طبقه کارگرو توده های دهقانان و خرد بورژوازی شهری (ونه اقشار بالای

مشاجره...

در مقاله مشهور خود "پیرامون شعار اساسی مرگ بر... راجع به خرده بورژوازی در عصر ما سخن میگویند، مینویسد:

"در قرن بیستم کسی که سمت گیری سوسیالیستی را انکار کند - دمکرات انقلابی نیست. در این عصره پیکار جهانی کسی دمکرات انقلابی است که از اتحاد با کمونیستها نهراود از آن استقبال کند. نه شرقی، نه غربی، نه تنها از اتحاد با کمونیستها و کام گذاشتن در راه سوسیالیسم مینتر سدیکه از سرمایه انحصاری هراس دارد" کار ۵۶ ص ۱۰

اما اگر چنانچه جناحی از خرده بورژوازی که در حاکمیت است نه تنها خصومت فوق را نداشت بلکه به سرکوب کمونیستها، سرکوب کارگران دهقانان و سایر زحمتکشان، و حتی سرکوب نیروهای دمکرات پرداخت آنوقت ماهیت آن چیست؟ آیا باید با عبارت کلی خرده بورژوازی پرو-لتاریا نیست از شر این سوال رها شد.

ترساندن دیگران که: (ا بورژوازی نیم چپ همواره سعی میکند متحدین پرولتاریا را در جنبش ضد امپریالیستی از پرولتاریا جدا سازد و آنان را به مبارزه با پرولتاریا ابداً تا شیری در پس گرفتن سؤال ما ندارد. مگر خود "س.ج" نیست که در کار ۵۶ در دنباله نقل قول بالامیگوید: "ولی "حزب توده" این بینش را دمکرات انقلابی میدانند و در زیمی را که میگوید پیدا آورد دمکراسی

انقلابی می شمارد. - ۵۶ - ص ۱۰ "حزب توده" چون تدارک بسیج سوسیالیستی را بمنابا به وظیفه، اساسی پیشرو پرولتاریا نمیداند بسیار طبیعی است که متحدین خود را نیز نه بر اساس موضعی که در برابر کمونیستها (بخوان طبقه کارگر و سخیوان توده های انقلابی ۱۰۰۰) بلکه بر اساس غدیتی که با سرمایه - انحصاری دارند، انقلاب میکند" کار ۵۶ - ص ۱۰

اگر چنین است و اگر نیروهای انقلابی و دمکرات را بر اساس - در مورد سیستم نظری "س.ج" در کار ۵۶ در آینده سخن خواهیم گفت. توجه خواننده را در این نقل قولها همه جا به تعریف خرده بورژوازی دمکرات یا دمکرات انقلابی جلب میکنیم.

موضع آنان در قبال مناسبات موجود و توده های انقلابی و انقلاب باید شناخت، آنگاه دیگر، اپورتونیزم نیم چپ نه، بلکه اپورتونیزم راست است که در اینجا باید از آن اجتراز کرد.

اپورتونیزم راست با مقایسه دائمی پرولتاریا با خرده بورژوازی و اظهار دانشمندانه "خرده بورژوازی، پرولتاریا نیست" به ورطه، بازی با جناحی از خرده بورژوازی در میغلظد که در صف انقلاب قرار ندارد. و در صف ضد انقلاب است. آری! خرده بورژوازی، پرولتاریا نیست. اما با بسط بلافاصله گفت نیرویی، جناحی از خرده بورژوازی در حاکمیت که بر علیه منافع و مصالح خلق حرکت میکند، نه تنها پرولتاریا نیست، و خرده بورژوازی است، بلکه ضد انقلاب است. خرده بورژوازی محافظه کار و مرجع است. همان خرده بورژوازی است که به حفظ هستی اجتماعی خود مشغول میباشد. تنها نکته در همین جا است. اگر "س.ج" حافظه خود را بکار بیا نندازد و بیا دبیازد که تنها در "شماره قبیل" کار "چه گفته است نگاه میفهمد که ما چه میگوئیم" "س.ج" در توجیه ماهیت تاریخی خرده بورژوازی حاکم ضمن آنکه اپورتونیزم راست (ونه چپ) را مورد حمله شدید قرار میدهد میگوید:

"یکی میکوشد چرخ تاریخ را به عقب بازگرداند. و دیگری در جهت حرکت تاریخ گام برمیدارد. حزب توده، این دو جریان را یکی میبیند (امروزه خودش) "چ" نیز همینطور می بیند! (دو جریانی که یکی بر "موهوم پرستی" متکی است و دیگری به "روشنگری" یکی میکوشد خود را از هستی اجتماعی محدود به سرمایه خرده برهانند و دیگری میکوشد آنرا تثبیت کند... ص ۱۰ - کار ۵۶

این همان چیزی است که کار ۵۶ از آن ظفره میبرد. بلوک سیاسی حاکم، خرده بورژوازی را در خود ندارد. اما خرده بورژوازی محافظه کار و "از آنهم بالاتر مرتجع را" خرده بورژوازی ای که جلوی چرخ تاریخ یعنی مبارزه توده ها در نابودی سیستم سرمایه داری وابسته ایستاده است. کار "۶۳" بدیهیات "کار ۵۶" را لگدمال میکند و به این سؤال جواب نمیدهد که ماهیت این هیات حاکمه و این جناح خرده بورژوازی چیست؟ آیا میتوان گفت خرده بورژوازی دمکرات در قدرت سیاسی است یا نه؟

اما اگر حتی "کار" به معیارهای خودش پای بندها شد با سخ روشن است: "تنها نگذاران سوسیالیسم علمی در ۱۴۰ سال قبل به روشنی فرق بین خرده بورژوازی انقلابی و محافظه کار بلکه از آنهم بالاتر مرتجع را نشان دادند. آنها فرقی نیروهای را که میکوشند چرخ تاریخ را به جلو بگردانند و آنان که از مصالح آنی خویش دفاع میکنند در این روشنی ترسیم کرده اند. آنها نشان داده اند خرده بورژوازی آنگاه که از موضع تثبیت سرمایه خود به مقابله با بورژوازی برمیخیزد - یک نیروی محافظه کار است و تنها آنگاه که از منافع آنی دفاع نمیکند بلکه از منافع آنی خود مدافع میگردند یک نیروی انقلابی به حساب خواد آمد. حزب توده تفاوت میان این دو نگرش را الپوشانی میکند." کار ۵۶ - ص ۱۰

"س.ج" نیز همین کار را میکند آنها خواننده را از اپورتونیزم چپ میهراسانند تا با اپورتونیزم راست از خرده بورژوازی حاکم "محافظه کار بلکه از آنهم بالاتر ارتجاعی" و با دقتی ترسانند انقلابی مدافع کنند. آنها نه تنها "تفاوت میان ایندو" را الپوشالی میکنند بلکه معیار خود را بطور کلی سیستم مقایسه با پرولتاریا قرار میدهند. و بدینوسیله به ما نمیگویند با لایحه خرده بورژوازی حاکم از منافع "آنی" خود دفاع میکنند یا "آنی" خود، بیان "روشنگری" خرده بورژوازی است یا "موهوم پرستی" آن بیانگر Gevennes معا صراست Vendée معا صراست!

در همین جا است که "کار" ۶۳ به ضرای کربلا میزند. همان صحرای کربلایی که در کار ۵۶ "حزب توده" را با طرز زدن به آن "اپورتونیزم راست" میخواند! اگر لحظه ای در اولین عبارت نقل شده از کار ۵۶ دقت کنیم میبینیم که از جنبش ضد امپریالیستی سخن میگوید و این همان جنبه از تئوری "س.ج" است که پیوسته توجه کمونیستها را تنها از آن جهت بدان جلب میکند که پرده ما تر بر تئوری مارکسیسم در پیرامون طبقات و مبارزه طبقاتی بیندازد. حالا که خرده بورژوازی حاکم باشد بطریقی نجات یابد.

چهارامی بهتر از این که آنرا # - اشاره به توصیف مارکس از دهقانان خرده مالک فرانسه و تطبیق آنها با انقلابی و محافظه کار رجوع کنید به ۱۸ برومر.

انقلابی جلوه دهیم. ببینید: "رفقا (منظور اقلیت است) حاضر نیستند به این سؤال پاسخ دهند که سرمایه پاسداران و دادگاههای انقلاب و همچنین جریان های موسوم به خط امام جنبه تضاد شان با امپریالیسم عمده است یا جنبه وحدتشان؟" همانجا - کار ۶۳

ما میگوئیم هیات حاکمه و در آن خرده بورژوازی حاکم بر ضد انقلاب، منافع توده ها و مصالح کارگران و زحمتکشان حرکت میکند. اگر اینها نیروهای محرکه انقلاب ما هستند، و تجلی انقلاب و تداوم آن میباشد. واضح است که مبارزه بر علیه اینها، مبارزه بر علیه انقلاب است. معیار

ما مبارزه طبقاتی و تلاش در جهت اضمحلال سیستم حاکم است. معیار "س.ج" به یکبار در میان دعوات تعیین میگردد. آنها انقلاب را ضد امپریالیستی و هرنیروی را به صرف داشتن تضاد دجیبی با امپریالیسم انقلابی به حساب میآورند. معیار کار ۶۳ جنبه وحدت و تضاد (که بعد خواهیم دید هر چند ضعیف، تا پیگیر و به اندازه سرسوزنی باشد) با امپریالیسم است. آنها به مبارزه ات و تضادهای نسبی، جزئی، غیر اصلی خرده بورژوازی حاکم میچسبند. و آنرا "انقلابی" ارزیابی میکنند. ما تلاش همه جا نه، آنرا در حفظ هستی خویش، "سیستم، کشتا و سرکوب توده ها نشان میدهم، ضدیت آنرا با انقلاب نشان میدهم، و آنرا ضد انقلاب بی ارزیابی میکنیم. ما مبارزه امپریالیستی و ضد سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم توده ها را می بینیم و "س.ج" تضادهای نسبی خرده بورژوازی حاکم با امپریالیسم را می بیند. ما به با شین، به توده ها نگاه میکنیم و به مبارزه طبقاتی تکیه میکنیم، آنها به با لایه هیات حاکمه و به مبارزه درون هیات حاکمه، آیا (کار ۶۳) این سخنان کار ۵۶ را که در مورد همین خرده بورژوازی آورده، و تاکید کرده است که نباید تضاد نسبی با امپریالیسم و سرمایه انحصاری را مبنا، تحلیل قرار داد بخاطر می آورد:

"حزب توده، خلط ضد انحصار را ملاک تعیین دوستان و دشمنان خلق قرار میدهد" کار ۵۶ - ص ۱۰ "حزب توده" چون تدارک بسیج سوسیالیستی را به مثابه وظیفه اساسی پیشرو پرولتاریا نمیداند بسیار طبیعی است که متحدین خود را نه بر اساس موضعی که در برابر

بقیه در صفحه ۸

بورژوازی - بقیه از صفحه ۱

وازی میبختی از آن رادریب میگیرد. طبعاً برای آندسته از اقتصاد گرایان ما، که نمیتوانستند بفهمند از لحاظ تاریخی در جامعه ما بورژوازی طبقاتی است که لیه اصلی انقلاب به آن معطوف میگردد، او - ضاع سیاسی بیشتر صحت و عمق قضیه را نشان داد.

بورژوازی لیبرال به نیروی نما بیشک کلیت طبقه در حاکمیت مبدل شد، و تحولات سیاسی ناشی از قیام ۵۷ تکلیف ترا با انقلاب ما یکسر نمود. ما با قضیه هنوز این نیست. بالاخره باید این مسئله را روشن کرد که ما توجه به این هیات حاکمه و تحولاتی که از لحاظ مبارزه طبقاتی در طی یکسال و چند ماه پس از قیام بوجود آمده است، ما چگونه باید به صف بندی طبقاتی برخورد کنیم؟ حقیقت آنست که پاسخ به این سؤال بمعنای مشخص کردن نیروهای محرکه انقلاب در ایران است.

شاید خواننده ما گمان میکند با روشن شدن تکلیف بورژوازی در ایران، جواب مسئله داده شده است. اما هر آینه ما تا این حد ساده به این مسئله که بواسطه پیچیدگی خود تمام جنبش ما را دچار سردرگمی نموده، جواب بدهیم، بیآنکه میروند که اساساً ترا درک نکرده باشیم. هیات حاکمه کنونی بلسوکی است که بخشی از ترا بورژوازی تشکیل میدهد، بخش دیگر و مسلط آن خرده بورژوازی مرفه سنتی است. اگر در مورد بورژوازی قضیه تا آن اندازه از لحاظ عینیات غیر قابل انکار روشن گردیده در مورد دومی ابتدائاً اینطور نیست. آیا ما تا حد آن نمیتیم که همه سازمانهای کمونیستی برای موضع گیری در برابر حکومت چه بلایی بر سر ترکیب آن میآورند، تا ترکیب مطلوبشان بسترای نیروهای محرکه انقلاب در هم نریزد؟ آیا ما تا حد آن نیستیم که بخاطر موضع گیری در برابر حاکمیت موجود هر کس به طریقی خرده بورژوازی حاکم را از حاکمیت خارج میکند تا بتواند پراحتی در برابر بورژوازی موضع گیری کند؟ آیا اینک به انواع مقولات گوناگون در ما رکیسم تمسک میشود، مقوله سازی میشود، جفت واره های

برای آندسته از کسانی که از طبقه بورژوازی "یا" کلیت طبقه" در هر استدو صیه میکنند ما زهم به دربارها به شعار رجوع کنند.

مشاجره اصلی

جدیدی از قبیل خلق و ضد خلق نشور - بزه میشود، فقط و فقط به خاطر اینکه کمونیست ما میترسد و یا اینکه دلش نمیخواهد و یا لاقلاً اعتقادات مذ - هسی او نسبت به خرده بورژوازی به او اجازه نمیدهد در برابرش موضع بگیرد.

لب کلام آنها اینست: اول خرده بورژوازی حاکم را (به هر ترتیب) از حاکمیت خارج کنید، و به این جناح نام و نشان دیگری بدهید (از قبیل کاست حکومتی، بخش پاشین بورژوازی ملی یا بخش متوسط آن، نیروی ضد انقلابی، یا خوشبختانه خلقی، نیرویی که در صحت ۱۲ اردو ۲۲ بهمن ۵۷ بعط آنکه پسا در حکومت گذاشت به بورژوازی تبدیل شد، گروگانهای بورژوازی لیبرال و قس علیهذا...) آنگاه ما میمانیم و بورژوازی. مسئله به حد کافی ساده میشود: تا آن حد که یک محصل دوم دبستان هم مطابق رابطه $2 \times 2 = 4$ بتواند نتیجه گیری کند.

اما آنجا که پذیرفته میشود بلوک سیاسی حاکم از دو جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی لیبرال تشکیل شده، اوضاع بدتر است. اگر گرایش و جریان اول خرده بورژوازی را کلاً از حکومت اخراج میکند، فقط به خاطر بدست آوردن شجاعت کافی برای انتصاف ضد انقلابی به هیات حاکمه است. بنا به گرایش دوم اگر خرده بورژوازی در حاکمیت است آنگاه دیگر شجاعت فوق، با تا مل و با اعلام - هبت دوگانه و یا "تقسیم جناحها بر حسب خلق و ضد خلق" همراه خواهد شد. بمجرد آنکه خرده بورژوازی در حاکمیت باشد، حاکمیت بعضاً خلقی است. روی دیگر همان سکه اول، گرایش دوم درست از همینجاست که آغاز میگردد.

انتقادی که کار ۳۶ به اقلیت "س.ج" مینماید، دقیقاً از جنبش موضوعی است. اساس و محور اصلی انتقاد در این خلاصه شده است که بقول (س.ج. کار ۶۳ اکثریت) اقلیت نمیپذیرد هیات حاکمه از دو جناح خرده بورژوازی و بورژوازی تشکیل شده است. کار ۶۳ دست به انتقادی

میزند که در ذات خود، از طرح مسئله اصلی میگریزد. اقلیت در برابر حاکمیت کنونی موضعی انقلابی اتخاذ کرده و ترا بدستی حاکمیت ضد انقلاب ارزیابی میکند. در این مورد که وارد بند نیست و یا هر گونه معامله ای بر سر جنبش انقلابی بی با آن نیاید شده خود تردید ی راه نمیدهد و اتکای خود را به جنبش به توده های انقلابی مینهد نه بر هیات حاکمه. اختلافی که کار سراسری ۳۶ اقلیت از آن سخن میگوید و تلاشی میکند اساساً انتقاد را به لای زور و کلمات بیچید در چیز دیگری است.

سوالی که طرح نمیشود!

کار ۳۶ در مقاله "نظری بر پیش داوری منشعبین" میگوید هیات حاکمه کنونی از دو جناح تشکیل شده است: بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی سنتی. "کار" برای اینکه نظر خود را پیرامون این بلوک و واقعیت عینی این توضیح دهد، یک سلسله دلایل را ردیف میکند که بخوبی خود اشکالی بر آنها وارد نیست. تا اینجا "تنها تحلیلی از ترکیب" هیات حاکمه بعمل آمده است.

اما ما میدانیم که برای کمونیستها این نه فقط درک قانونمند ی و تحلیل است که اهمیت دارد، این کار نیست که رویز بیونیستها بورژوازی و هیات حاکمه کنونی نیز به آن دست میزند. آنها هم بخوبی واقفند که یک بلوک بورژوازی - خرده بورژوازی بی هستند. آنها آنگاه با نا خود آگاه علیه یکدیگر از همین مواضع طبقاتی توطئه میکنند. و هر یک از آنان ب فکر قبضه قدرت و یا تحکیم بیشتر موقعیت خویش است. برای کمونیستها، بر اساس تحلیل شرایط عینی، تعیین ما هیات حکومت و تعیین نیروهای محرکه انقلاب، صف بندی طبقاتی و گسترش و تداوم انقلاب یعنی خلاصه کلام نه فقط تفسیر دنیا که تغییر آن انقلابی آن مهم است.

کار اکثریت میگوید که ما نباید در باره ترکیب بلوک سیاسی حاکم دچار این خطا شویم که ترا بطور

کامل بورژوازی بدانیم. بلکه باید ترا بطور صحیح ارزیابی کنیم. و با ارائه دلایل گوناگون ترکیب بورژوازی - خرده بورژوازی بلوک سیاسی حاکم را توضیح دهیم. اما استدلال بعدی (کار ۶۳ - اکثریت)، همان چیز است که ما ترا قسراً از تحلیل و تفسیر واقعیت بطور کامل و کاملاً برداشتن در جهت تغییر آن مینامیم. آیا تعیین ما هیات هیات حاکمه فقط نشان دادن ترکیب آنست؟ البته نه. کافی نیست که ما بدانیم این بلوک از چه طبقاتی تشکیل شده، باید اساساً ترین خصوصیت مشترک این بلوک، ماهیت آن را نیز تعیین کنیم. تنها آنوقت است که ما میتوانیم بگوئیم قادریم به حکومت برخورد نماییم.

کار ۶۳ میگوید: "فقط (اقلیت منظور است) برای اثبات بینش خود ناچارند خرده بورژوازی را با پرولتاریا یکی بگیرند و هر کس را که مثل پرولتاریا نبوده، دشمن پرولتاریا و از آنها بالاتر دشمن خلق معرفی کنند" این استدلال شگفت انگیز البته غلط نیست. اما تنها از آن جهت که برای خواننده روشن نمیکند بهر حال چه معیاری برای (دشمنی با خلق) وجود دارد و خود این "خلق" کیست یا مهارت نوشته شده است. هیچ کمونیستی از خرده بورژوازی انتظار یکسان بودن با پرولتاریا را ندارد. ولی در عین حال هیچ کمونیستی پای خود را در هوا بر نمیدارد. خرده بورژوازی "انقلابی و دمکرات" مشخصاتی دارد. ذکر ما به این که خرده بورژوازی پرولتاریا نیست، وظیفه ما را در تحلیل مشخص خرده بورژوازی کمتر نمیکند. اگر خرده بورژوازی یا جناحی از آن انقلابی و دمکرات باشد رای خاصی است که در عین تمایز از پرولتاریا از ضد انقلاب نیز متمایزند. اگر خرده بورژوازی یا جناحی از آن، بطور عینی در برابر حرکت تاریخ، بر ضد کارگران و خرده بورژوازی انقلابی، عمل کند و کمربند را به حفظ مناسباتی بیند که سمت و سوی حرکت توده ها انهدام آنهاست، دیگر این خرده بورژوازی را نمیتوان تنها به صرف پرولتاریا نبودن، نیروی انقلاب بداند است. هیچ، که نیروی ضد انقلابی و بر علیه مبارزات انقلابی بی توده است. خود "س.ج" در شماره ۶۹ هنگامیکه راجع به حزب توده بقیه در صفحه ۹

پیک رزمندگان

کمیته‌ها هر قریه مردم
دروغ نیکویند کوریتین
هرگز به ما عنان قدرت نکلند
سپیدند کسویسها قطره
قدرت باغ کارگران
رزمندگان و روستا
انقلابی منکی هستند
را...

دکه داران: شما بساط ما را جمع کنید، ما هم بساط شما را...!

گزارشی از مبارزه دکه داران زحمتکش تهران در مقابل یورش حکومت!
بار دیگر، گازهای اشک آوز اسرائیلی و تیربارهای آمریکایی برای سرکوب زحمتکشان بکار گرفته شد. رژیم جمهوری اسلامی که بقصد حفظ منافع "سرمایه"، از هیچ شنبه نوزدهم تیر، دکه داران، فرصتی برای مقابله با زحمتکشان در نمیگذرد، این بار نیز فاجعه آفرید. اعلامیه‌های تهدیدآمیز، یکی پس از دیگری صادر شدند. صبح پنجشنبه نوزدهم تیر، دکه داران، هراسان از تهدیدهای فاشیستی حکومت و مقاوم از اراده را - سخی که آنها را برای مقاومت در مقابل این زورگویی‌ها همچون تن واحدی در آورده بود بقیه در صفحه ۴

درباره کودتا و زمینه‌های آن

در ۳ - ۴ ماه گذشته بنا به ادعای رژیم چندین کودتا کشف شده آخرین آن در همین هفته پیش بوده و رژیم جمهوری اسلامی سرودای بسیاری بر سر آن بر اه انداخت. هیات حاکمه مردم را به شکر گذاری از شکست کودتا فرا خواند و بنی مدرولیبیرالها کودتا و زمینه آن را به حزب جمهوری اسلامی و آیت نسبت دادند و حزب جمهوری اسلامی و هاشمی رفسنجانی "ملی گر-اها" و جبهه ملی را عامل کودتا معرفی کردند تا با استفاده از این جریان موقعیت خود را در حکومت تحکیم بخشند و با دستا ن بازتری به سرکوب نیرو-های خلق بپردازند.

کودتای ارتش جمهوری اسلامی نشان داد که کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند

ماههای متوالی است که کمونیست‌ها فریاد میزنند: ارتش که برای حفظ منافع رژیم سرمایه داری وابسته بوجو د آمده مقابل توده‌ها و مبارزات آنها قرارداد، ارتشی که دستش به خون توده‌های میهن ما و خلقهای منطقه از جمله خلق ظفار آلوده است، ارتشی که دست پرورده مستشاران نظامی آمریکا و اسرائیل است نمیتواند "برادر" ما باشد و رهبران حکومت، در مقابل اصراردارند که: ارتش اسلامی شده بقیه در صفحه ۱۱

زحمتکشان تاریخ سازند!

در صفحه ۳

در صفحات دیگر میخوانید:

- کمیته مرکزی سازمان چریکها: آموزش به توده‌ها برای مقابله با گرانی یا رهنمود به حکومت
- مرگ ابراهیم غلامی
- ننگ جمهوری اسلامی!
- اخبار کارگری
- اخبار کردستان قهرمان
- اخبار کوتاه

...و...

بارشد آگاهی و گسترش مبارزات کارگران: انجمن اسلامی کارخانه‌ها رسوا تر می شوند رژیم جمهوری اسلامی برای پیشبرد مقاصد و منافع خود در کارخانه‌ها و جلوگیری از آگاه شدن کارگران و سرکوب مبارزات آنها به دوشیوه سرکوب و فریب دادن و تحمیق کردن میپردازد. در آنجایی که توده‌های بقیه در صفحه ۶

چرا انجام گرفت؟ کودتا جزیی از توطئه امپریالیسم و عوامل مزدوران در ارتش و حکومت برای برقراری شرایطی است که در آن امپریالیسم بتواند منافع خود را هر چه بیشتر تامین کند. اما علت اینکه امروز کودتا چنان و مزدوران امپریالیسم به این عمل دست میزنند، آنست که انقلاب ایران بقیه در صفحه ۴

درباره کودتا...

انزویه گسترش است. خلق هلی قهرمان ایران روزبه روز بیشتر درمی یابند که رژیم جمهوری اسلامی نه حامی منافع کارگران و زحمتکشان بلکه حافظ سود سرمایه داران و نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است. توسعه انقلاب روزبه روز توده ها را از هیات حاکمه دور و بی نیروهای انقلابی و کمونیست نزدیکتر میکند و این خطری است برای ضدانقلاب چه حکومت جمهوری اسلامی و چه مزدوران و عوامل امپریالیسم. حکومت جمهوری اسلامی در مقابل با گسترش مبارزات توده ها به سرکوب آشکار، اعدامها، بمبارانها، و به جنایات وحشیانه توسط پاسداران و ارتش دست میزند و بختیارها، اویسی ها و فرماندهان مزدور ارتش شاهنشاهی که جنایات و سرکوب های رژیم جمهوری اسلامی خیال آنها را برای حفظ منافع امپریالیسم و سرمایه داران راحت نمیکند در دست قدرت گرفتن خودشان هستند. آنها از سویی از طریق رادیوها به جلب ناراضیان که روزبه روز بر تعداد آنها افزوده میشود میپردازند و خود را حامی توده ها، طرفدار آزادی و آزادیخواهان نشان میدهند و از سوی دیگر در ارتش اسلامی که به علت سیاستهای ضد انقلابی جمهوری اسلامی بساز شده و فرماندهان مزدوران ابقاء گردیده اند زمینه های کودتا و قدرت گرفتن ارتش و فرماندهان ارتشی را تدارک میبینند. در واقع این مزدوران امپری-

الیسم با حکومت جمهوری اسلامی در سرکوب نیروهای انقلابی، کمونیست ها و مبارزان کارگران و زحمتکشان هم نظرند اما آنچه که باعث میشود کودتاچیان حکومت جمهوری اسلامی را سرنگون و حکومت فاشیستی خود را جایگزین آن کنند آنست که میبینند حکومت جمهوری اسلامی قادر به تامین منافع امپریالیسم و سرکوب کاملاً لازم مبارزات انقلابی توده ها نمیباشد چرا که توده ها روزبه روز بیشتر به ما هیت رژیم پی پی برده و فریبکاری ها و سرکوب مبارزات مردم روزبه روز کم اثر شده و هر مبارزه مبارزه جدیدی را دامن میزند. رژیم جمهوری اسلامی مبارزین و انقلابیون را اعدام میکند کارگران و زحمتکشان تظاهرات میکنند. نشریات کمونیستی را غیر قانونی میکند، مردم به پشتیبانی از دهکده های کتابفروشی برمیخیزند و به رودرویی با پاسداران میپردازند. خلق کرد را سرکوب میکند، مردم سا-یر نقاط با افشای جنایات رژیم در کردستان آگاه شده در مقابل آن قرار میگیرند. سرکوب مبارزات توده ها نوید بخش مبارزات جدیدی شده است و این آن چیزی است که ضدانقلاب سابق، ضدانقلابی را که مردم، طی دو سال مبارزات خود سر دسته آن ها یعنی شاه خائن را به زباله دان تاریخ سپرده اند، دوباره چون ماری زخم خورده سیرمی آورد تا از این اوجگیری انقلاب برای خود قدرتی دست و پا کند و در این

راه جنایات و سرکوب آشکار رژیم جمهوری اسلامی مددکار آن است.

رژیم جمهوری اسلامی

زمینه ساز کودتا است!

رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان و عدم پاسخگویی به خواسته های آنان و دور کردن توده ها از سیاست، با حفظ و بازسازی ارتش ضد خلقی شاهنشاهی و یاسعی و تلاش شبانه روزی در جدا کردن کمونیست ها و نیروهای انقلابی از توده ها خود زمینه ساز کودتا است. سرکوب مبارزات تا کسی رانان، زنان، دکهداران، اعدام های پی در پی و زورگوئیها و اختناق روز افزون در همین یکماهه اخیر ناراضی توده ها را از جمهوری اسلامی با سرعت زیادی افزایش داده است. توده ها در ۱۸ ماه گذشته حکومت جمهوری اسلامی سرکوب و کشتار آشکار خلق کرد، کارگران بیکار، صیادان انزلی، خلق ترکمن را دیده و خود نیز در مبارزات روزانه خود همواره با حمایت رژیم و پاسداران آن از سرمایه داران و قدرتمندان روبرو بوده اند. افزایش زورگویی ها و اختناق و دیکتاتوری رژیم جمهوری اسلامی در یک ماهه اخیر به سرعت توده ها را به ناراضی توری و روگردانی از رژیم کشانده است.

اما حفظ و بازسازی ارتش که لازمه حفظ سیستم سرمایه داری وابسته میباشد از یک سو و همچنین دروغ و نیرنگ های سازمان یافته و قبیحانه رژیم جمهوری اسلامی در باره کمونیست ها و نیروهای انقلابی و عدم آگاهی بخشی

از توده ها موجب میگردد که آنها به همان سرعتی که از رژیم کهنه میشوند به نیروهای انقلابی و کمونیست ها، این همسنگران و حامیان منافع خود نیویسته و خود ز مینه ای برای کودتای ارتش ضد خلقی گردند. اما امکان کودتا به معنای پیروزی آن نیست کودتا در ایران با شکست مواجه خواهد شد. زیرا خلق قهرمان ایران به مقابله با آن برخود اهدخاست. زیرا تمامی اقدامات ضد انقلابی حکومت برای خلع سلاح گروهها، تمام فریبکاریهای بنی صدر برای رای گرفتن از مردم که گروهها را خلع سلاح کنند به شکست منجر شد و این کمونیست ها و نیروهای انقلابی مسلحند و در پیشاپیش کارگران و زحمتکشان به مبارزه علیه مزدوران امپریالیسم خواهند پرداخت. زیرا توده های آگاهی وجود دارند که به جای قبول فریبکاریهای بختار و مزدوران امپریالیسم همسنگران واقعی خود را یافته و تحت فرماندهی نیروهای انقلابی و کمونیست ها به مقابله با مزدوران و کودتاچیان برخوانند خاست. زیرا کردستان این قلب پرطیش انقلاب که تجربه سالها مبارزه علیه رژیم شاه و ۱۸ ماهه مقاومت مسلحانه در مقابل رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی را داشته است، با این مزدوران نیز مقابله خواهد کرد.

زیرا پرسنل انقلابی ارتش که تجربه ۲ سال سرکوب مبارزات خلق قهرمان ایران را توسط رژیم شاه و ۱۸ ماهه استهای ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را در پیش چشم خود دارد به سرکوب و کشتار بقیه در صفحه ۵

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

تاریخ مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران وجهان تاریخ شکستها و پیروزیها است، تاریخ مبارزات متحد خلق و عقب زدن ارتجاع و امپریالیسم است و در همان حال تاریخ سرکوب و برقراری مجدد حاکمیت دشمنان خلقها بعلت عدم آگاهی و تشکلی خلق است. تاریخ مبارزات قهرمانانه خلقهای جهان تاریخ تجارب گرانبهای کارگران و زحمتکشان است که صفحات آن از خون هزاران شهید رنگین شده است تجاربی از پیروزی و علل آن و شکست و چگونگی آن؛

قیام خونین سی تیر، یکی از این تجارب گرانبهاست تجربه ای که در آن خلق قهرمان ما با مبارزات پیگیرانه خود ارتجاع و امپریالیسم را برای مدت کوتاهی عقب راند ولی بعلت فقدان تشکلی و آگاهی و نبود رهبری نیروهای کمونیست و انقلابی یکسال بعد از آن با کودتای امپریالیسم روبرو شد. قیام سی تیر برای طبقه کارگر ایران وجهان درسهای آموزنده ای به همراه دارد.

دکتر مصدق که به دنبال مبارزات کارگران و زحمتکش

به مناسبت سال روز سی تیر:

زحمتکشان تاریخ سازند!

درباره تصدی وزارت جنگ و مخالفت شاه خائن با این درخواست مجبور به استعفا شد. مصدق میخواست با تصدی وزارت جنگ و در اختیار گرفتن ارتش به خیال خود فکرش را از جانب نیروهای مسلح و ارتش شاهنشاهی آسوده کند اما شاه در مقابل این خواست مقاومت کرد و این اختیارات به مصدق داده نشد و مصدق استعفا کرد.

شاه و مرتجعین که برای این مسئله از مدتها قبل آماده بودند بلافاصله قوام را به نخست وزیری معرفی کردند. معرفی شدن قوام به نخست وزیری همان وریختن هزاران نفر از مردم شهر تهران به خیابانها همان. نخست وزیری قوام که در نوکری و سرپرستی به امپریالیسم شهره عام و خاص و از منفورترین چهره های رژیم شاه خائن بود، با مقامومت مردم روبرو شد مردم که مصدق را حامی منافع خود میدانستند به هیچ وجه زیر بار

خیابانهای سیروس و بوذرجمهری و خیام و... شروع شد و به طرف توپخانه پیش رفت، مردم در هر کجا مپا سرنیزه سربازان و آتش کلوله آتشان روبرو بودند، صدای تیراندازی تفنگ و مسلسل از هر گوشه شنیده میشد اما مردم قاطعانه پیش میآمدند تا خود را به مجلس شورا برسانند. در این تظاهرات مردم برای اولین بار شعارهای "مرک بر شاه" و "مرک بردار" میدادند و سر راه خود مجسمه های شاه را با آتش میکشیدند. بعد از ظهر زرمزه هایی شنیده شد که مردم میخواهند به کاخ شاه بروند.

ساعت سه بعد از ظهر، پس از یک روز مبارزات متحدانه مردم امپریالیسم و ارتجاع عقب نشینی کردند و مصدق به پیشنهاد قدرت مردم بر سر کار آمد!

قیام سی تیر پیروزی براه خلقهای قهرمان ایران به ارمان آورد اما پیروزی مو

طبقاتی اش بود موجب شد که ۱۳ ماه بعد کودتای امپریالیستی و جنایتکارانه شاه خائن و آمریکا موفق شده و خلق قهرمان ما ۲۵ سال دیگر نیز زیر سلطه حکومت فاشیستی شاه قرار داشته باشد!

درسهای قیام سی تیر:

آنگاه که یک حکومت از پشتوانه توده ای برخوردار باشد هیچ قدرتی هیچ کودتا و سر



کوبی نمیتواند آنرا سرنگون سازد، و هرگاه که توده ها علیه حکومتی بپاخیزند با هیچ وسیله ای نمیتوان از سرنگونی آن جلوگیری کرد. قیام سی تیر در پشتیبانی از حکومت مصدق و سقوط رژیم شاه در بهمن ۵۷ به خوبی این تجربه را به خلقهای ما آموخته است. اما یکسال بعد همین بقیه در صفحه ۵

قیام سی تیر و کودتای ننگین ۲۸ مرداد با زخم به خلقهای قهرمان ایران نشان داد که بایدها به نیروی خود و به کسانی که بطور واقعی از توده ها و مبارزات آنها پشتیبانی میکنند، تکیه کرد. نشان داد که هر نیرو و حکومتی که مانع شدن توده ها مانع رشد نیروهای انقلابی و کمونیست و مانع ابتکارات توده ای و حضور آنها در صحنه سیاسی گردد و هر نیرویی که ارتش ضد خلقی را حفظ و تقویت کند عملاً آب به آسیاب امپریالیسم ریخته و زمینه را برای اعمال سرکوبگرانه آماده میکند!

قتی که بعلت سازشکاری و سیاستهای اپورتونیستی حزب توده و عدم قاطعیت دکتر مصدق در کنتر کردن امپریالیسم که ناشی از ماهیت

نخست وزیری قوام نرفت و روز سی تیر مبارزات قهرمانانه خود را برای بازگرداندن مصدق به نخست وزیری آغاز کردند. تظاهرات صبح از

سراسر ایران علیه سلطه امپریالیسم و ارتجاع و در پی درخواست ملی کردن صنعت نفت به نخست وزیری رسید، در خرداد ماه ۱۳۳۱ با فشاری

سالروز قیام خونین سی تیر گرامی باد!

بقیه از صفحه ۱
شما بساط...

دسته دسته جمع شدند و به سوی
نخستوزیری رفتند. حکومت
مثل همیشه هیچ قصدی جز
فریب آنها نداشت. به همین
دلیل آنها را به ساختمان
شهرداری حواله دادند و حتی
ادعا کردند که شهردار منتظر
شماست. دکه داران به سمت
شهرداری حرکت کردند. ولی
آنجا را بسته یافتند. اما
با زوان زحمتکشان هر جا که
بهم پیبوندند، هردی را می
کشاید. آنحصن آغاز میشود و
چند دقیقه بعد سروکله پاسدا
ران جمهوری اسلامی هم پیدا
میشود.

پاسداران ۲۰ دقیقه
فرصت دادند تا آنها شهردار
ری را خالی کنند. اما دریا
یا ن فرصت کسی تکان نخورد
آنگاه آخوندی به اسم شیرازی
وارد معرکه میشود و دکه داران
را از آن دنیا میترساند!
او در حالیکه خشمگین
شده بود فریاد میزند: آخر شما
هم آدم هستید که آقای شهردار
بیا یدویا شما حرف بزنند؟

سرانجام پاسداران چهره
واقعی خود را نشان میدهند.
پرتاب گاز اشک آور و رگبار
مسلسل، صحنه را به میدان جنگ
بدل میسازد. زحمتکشان روز
های قیام را با خاطر میآ ورنند.
پاسداران به میان مردم
میافتند. عده ای دستگیر
میشوند. عده ای بسمت سالن
شهرداری میروند. عده ای آتش
روشن میکنند تا اثر گاز اشک
آور را خنثی کنند. پاسداران
در داخل ساختمان هم چندگاز
اشک آور منفجر میکنند.
جمعیتی که بداخل ساختمان
هجوم میبرد، با حمله وحشیانه
پاسدارها روبرو میشود. تیر
بارها بسمت مردم نشانه رفته

است... و ناگهان اولیسن
قربانی جنایتکاران، بزرز
مین میفلطد و خون پاکش
سنگفرش شهرداری را گلگون
میکند. پاسداران تمام شهردار
اری را محاصره کرده و بی مها با
بمست مردم شلیک میکنند
دکه داران مبارز، با دستهای
خالی، شکم های گرسنه، رو
حیه عالی ودلی سرشار از کینه
نسبت به این رژیم ضد خلقی،
بیش از چند ساعت مقاومت
میکند. اما سرانجام شدت
حمله پاسداران آنها را وا
میدارد تا ساختمان را ترک کنند
یکپا بیدار مزدور، جلوی راهرو
کسانی را که قصد خروج دارند،
با قنداق تفنگ وحشیانه میزد

ند چنانچه دکه دار مبارز همنوز
روی زمین مانده است. و خون
سرخ اطراف را رنگین کرده
است. یکی از دکه داران می
گوید: این اسلحه ها را بدست
شما دادیم که خودمان را بکشید؟
پاسدار خشمگین به او و دیگران
حمله کرده و بجای جواب فحش
خواهر و ما در میدهد. او در جا
لیکه عربده میکشد، به جسد
دکه دار شهید اشاره کرده و با
بی شرمی غیر قابل وصفی می
گوید: شما اینو کشتید! دیوث
ها اینهم دکه تون!

مردم و دکه دارانی که
بیرون ایستاده و شاهد ما جرا
هستند شعرا میدهند: مرگ بر
پاسدار، حامی سرمایه دار، و
این شعرا پاسدار را دیوانه
میکند. دیوانه و اربه مردم
حمله میکند، او نعره میکشد و
میگوید: بی ناموس ها شما
اسلحه دارید! شما دو پاسدار
را کشته اید! (به جسد دکه دار
شهید اشاره میکند) اینهم
خودتون کشتید! یکی از دکه دار
اران که از این همه وقاحت
بخشم آمده است فریاد میکشد:
چرا فحش میدهی! که ناگهان

پاسدارها محاصره اش میکنند،
یکی با قنداق تفنگ محکم
به سرش میکوبد و گلنگدن
اسلحه اش را میکشد و بوظرف
او میگیرد. یک پاسدار فریاد
میزند بی ناموس ها چرا اینجا
جمع شده اید؟! یکی از دکه دار
ران در میان جمعیت میگوید
برای اینکه شکمان گرسنه
است! پاسدارها با مشت و لگد
بجان همه میافتند تعدادی
دی را دستگیر میکنند. دستگیر
شدگان را به داخل حیاط میآ و
رندوده نفرده نفر به داخل
ریو میبریند.

وقتی ماشین ها بطرف
زندان حرکت میکنند، مردمی



شهید مهدی مومنی

که در اطراف ساختمان جمع
شده اند، یکدلو یک صابون برای
دکه داران اسیر دست میزنند
و فریاد "درود بر دکه دار مبارز"
تمام فضا را پر میکند. درکنار
دریچه ریوها عده ای پاسبان
را نشانده بودند که مردم
دستگیر شده ها را نبینند، ولی
دکه داران مشت های گره کرده
خود را با زور از میان پاسبانها
بیرون آورده و عزم راسخان
را برای ادامه مبارزه به همه
نشان میدادند.

دکه داران اسیر را از شهر
داری به امداد کلانتری سوار
برند و تا ظهر جمعه در آنجا
زندانی کردند. دکه داران با
روحیه عالی، ساعات اسارت

را میگذرانند. در تمام مدت
بطور دستجمعی شعار داده میشد:
* دکه دارا میرزمد، سرمایه
دار می لرزد!
* دکه دارا مبارز آزاد باید
گردد!
* جنگیدیم خون دادیم،
اما هنوز در بندیم!
* مرگ بر شهردار، حامی
سرمایه دار!
* زحمتکشان بدانید دکه
دار شهید داد!

ظهر جمعه، دکه داران را
به زندان قصر میآ ورنند. عده ای
از پدر و مادرها جنسوی زندان
قصر، منتظر فرزندان زحمتکش
خود ایستاده اند. مادری در
حالی که با دیدن فرزندش
بشدت به گریه افتاده بود فریاد
میزند: فرزندم را بیا
رختشویی بزرگ کرده ام، کجا
میبرینش!

زحمتکشان را به داخل
قصر میبرند. ابتدا آنها را به
صف کرده و بعد یکی یکی آنها
را روی تخت شکنجه میخواست
بند. آنگاه یک پاسدار روی
گردن و یک پاسدار روی پا
نشسته و دو پاسدار مزدور دیگر،
با کابل های برق (از همانها که
ساواک برای شکنجه استفاده
میکرد) پیکر زحمتکشان
را به زیر وحشیانه ترین تاز
پا نه ها میگیرند.

در این میان خلخالسی
جلاد، همچون جانیان که از
دیدن شکنجه زحمتکشان به وجد
آمده، در اطراف میگرد
و بایی شرمانه ترین توهین ها
خطاب به پاسدارها میگوید:
"گوسفندهای منوچه کنیید و
نگذارید کسی کتک نخورده از
اینجا در بره"

این جلاد که خون فرزند
ان دلیر خلق کرد، چهره کریه

برقرار باد جمه - وری دمکراتیک خلق!

بقیه از صفحه ۳

به مناسبت سی تیر

دولت مصدق، دولتی که بعد از یک تظاهرات عظیم توده‌ای به پشتوانه نیروی مردم به سر قدرت بازگشته بود، بایک کودتای نظامی سقوط کرد و توده‌ها ناچاراً به آن گردن نهاده و نتوانستند در مقابل آن مقاومت کنند چرا؟

ضعف نیروهای انقلابی و سیاستهای فرصت طلبانه و سازشکارانه حزب توده که تا قبل از قیام سی تیر در مقابل تمامی سیاستهای مصدق ایستاده و بعد از آن به دنباله روی و سازشکاری افتاده بود. بعلاوه عدم قاطعیت و نداشتن سیاست تکیه به توده‌ها و قدرت آنها موجب شده که کودتای ننگین و امپریالیستی ۲۸ مرداد به راحتی صورت گیرد.

سیاستهای مصدق در مورد جلوگیری از ابتکارات توده‌ای، وحشت از قدرت گرفتن مردم استفاده از پشتیبانی مردم نه در جهت سرنگونی رژیم شاه‌خائن، بلکه برای چانه زدن با دربار و سرانجام آزاد کردن کسانی که در ارتش توطئه میکردند، موجب شده که هیچ نیرویی در مقابل کودتای مقاومت نکند. عدم تسلیح توده‌ها و سا...

بقیه از صفحه ۲

خلق مادست نزده و در کنار مردم و خلق خود با مزدوران امپریالیسم خواهد جنگید. تهاجم توده‌ها و نیروهای انقلابی ارتش را از درون درهم خواهد شکست. آری! کودتا با شکست روبرو خواهد شد زیرا کارگران و زحمتکشان، خلق قهرمان کرد...

زماندهی آنان علیه امپریالیسم و ارتجاع و آگاه نکردن توده‌ها از لزوم مقاومت و مبارزه در مقابل هر حکومت ضد انقلابی، توده‌ها را در مقابل چنین سرکوب آشکارا رودیکتا - توری فاشیستی که ۲۵ سال خلق ما را زیر حکومت شاهنشاهی نگه داشت، ساکت و بی دفاع رها کرد. و مردم علی‌رغم نفرت از کودتا چنان در مقابل این سرکوب متشکل نتوانستند کاری از پیش ببرند.

قیام ۳۰ تیر و کودتای ننگین ۲۸ مرداد با زهمه - خلقهای قهرمان ایران نشان داد که با ید تنها به نیروی خود و به کسانی که بطور واقعی از توده‌ها و مبارزات آنان پشتیبانی میکنند تکیه کرد. و نشان داد که هر نیروی و حکومتی که مانع مسلح شدن توده‌ها، مانع رشد نیروهای انقلابی و کمونیست‌ها و مانع ابتکارات توده‌ای و حضور آنها در صحنه سیاسی گردد - هر نیرویی که ارتش‌های ضد خلقی را حفظ و تقویت کند، عملاً آب به آسیاب امپریالیسم ریخته و زمین را برای اعمال سرکوبگرانه آماده میکند!

ترکمن، پرسنل انقلابی ارتش تحت رهبری نیروهای انقلابی و کمونیست علیه این مزدوران آمریکایی به مقاومت و مبارزه مسلحانه دست خواهند زد و ایران را گورستان کودتاگران، سرمایه‌داران و امپریالیسم آمریکا خواهند کرد.

اش را برای ایدخون آلود کرده است، در حالیکه وانمود میکند این شکنجه‌ها، تنبیه ساده و پیش پا افتاده‌ای است، به زحمتکشان میگوید: توی شماها کمونیست هست. ما با شما کاری نداریم شما هارا آزاد میکنیم.

آری! بنظر این عنصر ضد انقلابی، شکنجه، تحقیر و توهین زحمتکشان "کاری" نیست! برای او فقط کشت و کشتار جوانان انقلابی "کار" قلمداد میشود!

سرانجام اسم و آدرس همه را میگیرند و با تهدید بیه اینک - اگر یکبار دیگر اعتراض کنید "اعدام" خواهید شد، آنها را در حالیکه موها - ایشان را نیمه کاره تراشیده‌اند از زندان آزاد میکنند.

جلوی زندان غوغایی برپاست. مادران فرزندان - نشان را در آغوش میکشند و ما - دری میگوید: پسرم افتخار کن به خاطر آن حلال خوردن زند - ان کشیدی! مادر دیگری به پسرش میگوید: کاش به آنها میگفتی که تا حالا ما چه بودم، از این بی‌عدکمون نیست میشوم!

یکی از زحمتکشان میگفت آنها میخواهند ما را وادار به دزدی کنند، اما کور خوانده‌اند! راه چاره، مایک انقلاب دیگر است. انقلاب زحمتکشان!

دکه‌داران مبارز مدتها

پشت در زندان منتظر شدند تا همه از زندان بیرون آمدند. آنگاه از یکدیگر خدا حافظی کردند و اینبار با عزمی راسخ تر، دستان یکدیگر را فشرده و به امید پیروزی زحمتکشان از یکدیگر جدا شدند!

زحمتکشان چاره‌ای جز مبارزه ندارند!

حکومت سرمایه‌داران، اینبار با حمله به دکنه‌داران مبارز، که در حقیقت بخشی از ارتش عظیم نیکاران جامعه ما هستند، گوشه‌ای دیگر از ماهیت ضد خلقی خود را بیه نمایش گذاشت. بیش از یک هفته تهران و برخی از شهرهای بزرگ ایران، صحنه مبارزات این زحمتکشان و تاخست و تازهای وحشیانه حکومت بر علیه آنان بود. و در این جنگ طبقاتی، ما با زهم شاهد استقامت و اتحاد زحمتکشان بودیم. اینک جنگ موقتاً فروکش کرده است. دکه‌داران به اردوی عظیم زحمتکشان بیکار پیوسته‌اند و چاره‌ای جز مبارزه ندارند!

مردمی که هر روز از خیابان مصداق میگذرند. میتوانستند بقایای شعارهای دکه‌داران را که بر دیوارهای خیابان بر جای مانده است ببینند:

- * آقای وزیر کشور، برابستی شکم سیراز شکم گرسنه خبر ندارد!
- * مردم از ما حمایت کنید!
- * شما بساط ما را جمع کنید، ما هم بساط شما را.....!

رفقا و هواداران! در تکثیر و پخش هر چه وسیعتر **پیکرزمندگان** بکوشید!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

بقیه از صفحه ۱۴
انجمن اسلامی و...

زحمتکش و آگاه میهن مان
فربت تبلیغات زهر آگین
رژیم را نخورده و نمیخورند
ویا به مرور ما هیت ضدا انقلابی
اش را میشناسند و دست به
مبارزه و مقاومت علیه او میزنند
نند، مورد یورش وحشیانه نیرب
و های سرکوب رژیم قرار
میگیرند.

خلق دلاور کرد، دهقانان
زحمتکش گنبد، صیادان بندر
انزلی، کارگران بیکسار
اندیشمک و درودشاهدهایی
برای این ادعا هستند. نمونه
های دخالت پاسداران برای
درهم شکستن مبارزات کارگر
ان کارخانه های مختلف آنقدر
زیاد است که بیشتر کارگران
چند نمونه آنرا دیده و یا شنیده
هاند.

در کنار سیاست سرکوب
نظامی، رژیم برای فریب
دادن توده ها و ننگه داشتن
آنها در بند توهم، از سیاستهای
فربت کارانه و تبلیغات و ایجاد
تشکیلات و انجمن های وابسته
نیز به وفور استفاده نموده است.
تشکیل انجمن های اسلامی
در کارخانه ها تحت رهبری
و هدایت حزب جمهوری اسلامی
در رابطه با همین سیاست
رژیم و برای به اجرا درآوردن
سیاستهای ضد کارگری در کار
خانه هاست. انجمن های اسلامی
به طور کلی به شکل سیاستهای
ضد کارگری رژیم را در کارخانه
نه ها پیش میبرد:

۱- آنها سعی میکنند از
آگاه شدن کارگران نسبت به
منافع طبقاتی خویش جلوگیری
کنند. ذهن و فکر کارگران
را نسبت به ما هیت واقعی ضد
کارگری رژیم جمهوری اسلامی
منحرف کنند. این کارها را از
طریق گذاشتن جلسات

سخنرانی، پخش اعلامیه ها
و کتابهایی که منافع کارگران
را و ارونه نشان میدهد و جلو
گیری از پخش اعلامیه ها و
نشریات انقلابی و کمونیستی
در کارخانه ها برای مانع
شدن از آگاهی کارگران، انجام
میدهند. انجمن های اسلامی
کارگران را برای شرکت در
تظاهرات ضد مردمی که به نفع
رژیم است نیز میکشاند.

۲- جاسوسی، توطئه برای
اخراج و دستگیری کارگران
مبارز و کمونیست:

رژیم جمهوری اسلامی از
آگاه شدن کارگران و مبارزات
آنها وحشت دارد چرا که آگاه
شدن کارگران و شناختن ماهیت
ضدا انقلابی رژیم و گسترش
مبارزات کارگری پایه های
اصلی حکومت را به لرزه خواهد
انداخت. به همین دلیل رژیم
و عمال او از هر وسیله ای برای
جلوگیری از آگاه شدن کارگران
و گسترش مبارزات توفند
آنها استفاده میکنند. کارگران
آگاه و کمونیست و انقلابی که
نقش بزرگی در آگاه نمودن
کارگران و گسترش ورهبری
مبارزات کارگران دارند مورد
حملات وحشیانه رژیم و عمال

او قرار دارند. انجمن های
اسلامی در اجرای این سیاست
پلید و ضدا انقلابی رژیم نقش
مهمی در کارخانه داشته اند.
انجمن های اسلامی همچون
ساواکیهای کثیف به شناسایی
کارگران انقلابی و کمونیست
دست میزنند و حتی در مواردی
به تعقیب کارگران در بیرون
از کارخانه ها میپردازند. این
انجمن ها با تبلیغات فربت
کارانه و انواع توطئه ها زمینه
اخراج و دستگیری کارگران
مبارز و کمونیست را فراهم
میسازند.

کارنامه انجمن های

اسلامی در کارخانه های
چون جنرال موتورز، ایران
ناسیونال، الیاف، ماشین
سازی تبریز و... بر است از توطئه
طه گیری جاسوسی و خیانت
برای شناسایی کارگران مبارز
رژیم انقلابی و دستگیری و اخراج
آنها در بعضی از کارخانه ها
که کارگران آگاه و انقلابی با
توطئه انجمن اسلامی و کارفرما
اخراج شده اند و کارگران
به دفاع از اخراجیها دست
نزدند و با آگاهانه در توطئه
انجمن اسلامی و کارفرما
هنگام اخراج کارگران انقلابی
شرکت نموده اند، بعد از مدتی
به اشتباه خود پی برده و از اینکه
فربت توطئه گیری انجمن اسلامی
را خورده اند سخت ناراحت و
پشیمان گشته اند:

۳- سرکوب کردن و
منحرف نمودن مبارزات کار
گران و وظیفه دیگر انجمن های
اسلامی است. وقتی سیاست فریب
بب دادن دیگری اثرشود
و نتوانند جلومبارزات کارگران
را بگیرند آنگاه انجمن های
اسلامی مستقیماً رودروی کار
گران قرار میگیرند. میان
کارگران تفرقه میاندازند،
اعتصاب شکنی میکنند و

کارخانه را منحل میکنند و در
جهت ایجاد شورای واقعی
اقدام میکنند. انجمن اسلامی
با انواع دسیسه ها سعی میکند
جلوای انتخابات را بگیرد. در روز
رای گیری با جمع کردن عده ای
کارگر نا آگاه به همراه مزدوران
کارفرما برای برهم زدن انتخابت
دست به تحریک میزنند. ولی
با هوشیاری بقیه کارگران
و کارمندان اقدامات ضد
کارگری آنها خنثی میشود.

فعالیت های ضد کارگری
انجمن های اسلامی محدود به
یک کارخانه و کارگران آن نیست
بلکه آنها در سطح طبقه کارگر
در توطئه های ضدا انقلابی
رژیم دخالت مستقیم دارند.
مثلاً وقتی شوراها و سندیکا های
حدود ۳۵ کارخانه وابسته به ساز
مان گسترش و توسعه صنایع
اتحادیه ای به نام "اتحادیه
سراسری شوراها و کارکنان"
تشکیل دادند بعلت اینکه این
اتحادیه تا حدودی مستقل بود و
دست نشاند حکومت نبود رژیم
در جهت از بین بردن آن دست
به توطئه زد.

۷ نفر از اعضاء انجمن اسلا
می ماشین سازی تبریز به عنوان
نمایندگان کارگران ماشین

هر چه آگاهی طبقاتی کارگران بیشتر میشود، هر
چه مبارزات برحق آنها گسترش مییابد، سیاست فربت
کاری انجمن های اسلامی کم اثرتر میگردد و آنها
مجبورند هر چه روشن تر و رسمی تر به رویا زویی مستقیم
با کارگران بپردازند.

دسته های جماع دار راه میا
ندازند و به کارگران مبارز
حمله مینمایند. و جلوتشکیل
شورا های واقعی را میگیرند.
مثلاً در کارخانه نورد اهواز
کارگران، شورای ضد کارگری آن

سازیدر جلسه "اتحادیه سراسری"
شرکت کردند. و توطئه رژیم
را به اجرا درآوردند. آنها با
داد و فریاد جلسه را برهم زدند
با میله آهنی به نمایندگان

کانون های توطئه ضد کارگری را افشا کنیم و درهم کوبیم!

برای مبارزه با گرانی:

باید اموال سرمایه داران مصادره شود نه کسبه خرده پا

در یکی از کوچه های تهران که جمعیت زیادی هم دارشست با هم قرار میگذارند که هر دست فروش گران فروشی که به کوچه آنها آید و اجناسش را گران فروخت بر سرش ریخته و اجناسش را له کنند و به جوی بریزند و این تصمیم که شکلی انحرافی از مبارزه بر علیه گرانی بود بر سر یک گوجه فروش میآورد و گوجه های او را که نژاد ترازدیگر گوجه فروشان نیز نمیفروخت له میکنند، عامل گرانی سرمایه داران و نظام سرمایه داری است. بسته است سرمایه داران که با هدف تامین سود برای خود و نه تامین مایحتاج مردم تولید میکنند هر زمان که بتوانند به افزایش بی حساب قیمتها

میپردازند با این کار خود کارگران و زحمتکشان ما را بیش از همیشه تحت فشار روبروی چیزی و کمبود مواد غذایی قرار میدهند. کارگران و زحمتکشان ما برای مبارزه با این فشار و احفافات آشکار نباید به مبارزه با خرده پاها که خود نیز از گرانی رنج میبرند بپردازند بلکه باید مبارزات خود را در جهت اصلی آن که نابودی سرمایه داری وابسته است سازمان دهند و اموال محتکران و سرمایه داران بزرگ را که در این شرایط دست به احتکار میزنند مصادره و حراج کنند و دوره گردان فقیر را!

عوامل جنایتکار تر و نافرجام

دکتر حسین بریاید معرفی شوند!

بعد از سه ماه که از ترور نافرجام و جنایتکارانه دکتر حسین بری انقلابی و مبارز بلوچستان میگردد، مقامات مملکتی هیچ اقدامی برای یافتن عوامل ترور انجام نداده اند و این عمل خود همدستی و تائید این اقدام جنایتکارانه را که منجر به فلج شدن دکتر حسین بری گردید، ثابت کرده اند.

اینک خانواده رفیق دکتر حسین برو تعدادی از مردم مبارز بلوچستان طی نامه ای به رئیس جمهور و مقامات مملکتی و روزنامه های رسمی کشور خواهان رسیدگی و پیگیری پر

ونده این جنایت از سوی مقامات مسئول شده اند. خانواده دکتر حسین بری در این نامه پرسیده اند: "چرا در این مدت از جانب پاره ای از مسئولان دستگاههای قضایی موضوع پیگیری و اعلام نشده است آیا این بی اعتنائی و سکوت نسبت به چنین جنایت هولناکی ارتباط پاره ای مقامات با سازمانهای دولتی را با ترور یستها نشان نمیدهد؟" آیا این ناپیگیری به معنی رضایت و تائید دستگاههای حکومتی از این جنایات نیست؟

انجمن اسلامی و...

اتحادیه در جلسه حمله کرده و آنها را مضر و نموده، سیم بلندگو را قطع کردند. بلافاصله بعد از این اقدام ضد کارگری دولت "اتحادیه" را غیر قانونی و منحل اعلام کرد. اینها نمونه هایی است از اقدامات ضد کارگری انجمن های اسلامی.

در ضمن گاهی دیده شده که

انجمن های اسلامی در بعضی از کارخانه ها با مدیریت اختلا فاتی دارند. باید توجه داشت که این اختلافات انعکاس اختلافات درون هیئت حاکمه است. مخالفت انجمن های اسلامی در بعضی از کارخانه ها

با مدیریت به خاطر اینکه آنها مترقی هستند و با از منافع کارگران دفاع میکنند نیست، بلکه به خاطر اختلاف منافع حزب جمهوری اسلامی با جناح دیگر حکومت است که هر دو جناح ضد کارگری و ضد انقلابی هستند. انجمن های اسلامی در اقدامات سرکوبگرانه و ضد کارگری و فریب کارانه کاملاً با کارفرما همدست و متحدند.

با گذشت زمان و گسترش

مبارزات کارگران و سایر زحمتکشان، کارگران دیگر نه تنها از لابی اعلامیه هسای افشاگرانه و آگاه کننده کمبود نیستها به ما هیئت ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی پس میبرند، بلکه بیشتر از آن در

تجربه روزمره شان، در جریان مبارزاتشان، در پیکارهای همزمانشان در اینجا و آنجا هر چه بیشتر ما هیئت ضد مردمی این رژیم را میشناسند و صد البته ما هیئت کثیف و ضد کارگری انجمن های اسلامی برای آنها روشن میگردد. هر چه آگاهیه طبقه ای کارگران بیشتر میشود، هر چه مبارزات بر حق آنها گسترش میابد سیاست فریبکاری انجمنهای اسلامی کم اثر تر میگردد و آنها مجبورند هر چه روشن تر و رسمی تر به رویارویی مستقیم با کارگران بپردازند و دست به توطئه بزنند هر چه میگردد. اعتمصاب شکنی، راه انداختن دسته چاقو دار، حمله به کارگران مبارز و انقلابی بیشتر در دستور

کار انجمن های اسلامی قرار میگیرد. اینک گردانندگان انجمن های اسلامی دست در دست گرفتن توطئه ها و اقدامات ضد کارگری دارند.

اینک انجمن های اسلامی کارخانه مجبورند تمام قد و عربیان ما هیئت کثیف ضد کارگری خود را به نمایش بگذارند.

اینک وقت آن است که کارگران با مشتهای پولادین خود بر پیروزه کثیف گردانندگان انجمن های اسلامی، این مجریان سیاستهای ضد انقلابی رژیم بکوبند. و این کانون توطئه کارفرما و رژیم در کارخانه را درهم بکوبند و محیط کارخانه را از وجود این خائنین پاک سازند.

باشعله های نفرت، درسوگ مرگ رنجبر



مرگ ابراهیم غلامی، ننگ جمهوری اسلامی

یکبار دیگر حرص و ولع سرمایه داران کارگرزحمتکشی را به کام مرگ فرستاد. یکبار دیگر در کارخانه سیمان سپاهان اصفهان شاهد بی حقوقی کارگران، ظلم و ستمی که به طبقه کارگر میهن مان در جمهوری اسلامی وارد میگردد می شویم.

یکبار دیگر ثابت میشود که: تا وقتی نظام سرمایه داری ولسته نباشد نشود کارگران و سایر زحمتکشان میهن مان رهایی نخواهند یافت. کارگران متحد سیمان سپاهان به همین مناسبت در اعلامیه ای به نام "باشعله های نفرت درسوگ مرگ رنجبر" واقعه را شرح میدهند در زیر قسمتهایی مهم اعلامیه آورده میشود:

است که تا نفس آخر شیره جان شان را بکنند و بعد هم که فزوده شدند آنها را بیرون بیندازند. برای عوامل سرمایه دار یاد و لت در کارخانه خبر کوتاه بود، کارگری مرد و حال باین فکر هستند که چگونه مسئله را ماست مالی کنند و تقصیر را به گردن خود کارگر بیندازند.

کارگران عزیز نمونه های بی توجهی به امرا یمنی و بهداشت در کارخانه ما فراوان است. در هر قسمتی از کارخانه بروید بنحوی شاهد بی بندوباری و عدم ایمنی و بهداشت میشوید در بارگیری خانه مسئله گرد و خاک کارگران را در مدت کوتاهی به امراض خطرناکی مبتلا میکند.

عوامل سرمایه داران در کارخانه میخوانند مسئله ایمنی و بهداشت را با دادن چند بخشنامه و اطلاعیه آنها از دورن اطاقشان ماست مالی کنند.

عوامل تنگ نظرانچمن اسلامی (یا چماق دولت برای سرکوب کارگران) که همیشه نخوت

هرآشی هستند، و این فرصت طلبان این روزها هم جان تا زهای گرفته اند، مراسم تدفین و سوگواری این کارگر را به دادن شعار و تبلیغات برای خود تبدیل کردند، اما یک کلمه از دلایل مرگ و یا قصد تعقیب این فاجعه در میان نبوده و گویا ارزشی هم برای پی گیری ندارد، چرا که این روزها مشغول کارهای مهمی هستند که روسری فلان خانم چهرنگ است و چه اندازه با شدولباش چهرنگ باشد...

کارگران عزیز حال متوجه میشوید که علل اساسی این وقایع و فجاجع را، علل تمام بدبختی و بیچارگی و ظلم و ستم بقیه در صفحه ۹

روزشنبه ۱۴ تیر ماه ۹۹ هـ. ق. یعه اسفناکی در کارخانه ما اتفاق افتاد که بمرگ دلخراش همکار کارگرمان حاج ابراهیم غلامی منجر شد. ما این مرگ نابهنگام را به تمام کارگران و خانواده محترمش تسلیت میگوئیم و عاملان و دست اندر کاران این فاجعه را محکوم میکنیم. اما کارگران عزیز سخن به همین جا خاتمه پیدا نمیکند. ابراهیم غلامی اولین کارگری نیست که در این کارخانه جانش را از دست داده و آخرین هم نخواهد بود.

در هر جا معای که پایه های آن بر بهره کشی و زورگویی باشد، مستی سرمایه دار که تنها هدفشان بدست آوردن بیشترین سود میباشدون شک به هیچ مسئله دیگری توجه ندارند چه برسد به رفاه و جان کارگران! در کارخانه ما مثل دیگر کارخانه ها حتی کمترین اهمیت را به حفظ جان کارگران نمیدهند.

برای عوامل سرمایه دار و دولت در کارخانه مهم نیست که کارگران به ایمنی و بهداشت در محیط کار نیاز دارند، مهم نیست که کارگران زن و بچه و خانواده دارند، مهم نیست که به رفاه و قوت لایموت نیاز دارند، مهم نیست

با اقدام انقلابی کارگران دیسمان:

توطئه کارفرما برای تعطیل کارخانه خنثی شد!

افتاده به خواستهایی از قبیل حق مسکن، حق اولاد، و..... برسند. در اوایل سال ۵۸ کارگران با عمل گروگان گیری نمایندگان کارفرمایان کارخانه توانستند سود ویژه خود را ۵۳۱۷۵ ریال به ۸۰۰۰۰ ریال برسانند. در طول این مبارزات کارفرمایان به انواع دسیسه ها متوسل میشوند که مبارزات کارگران را به انحراف بکشانند ولی با افشاکری کارگران آگاه و مبارز موفق نشده و کارگران تار سیدن به خواسته هاییشان به مبارزه ادامه میدادند. در خرداد ۵۹ کارگران شورای منتخب خود را تشکیل دادند و علی رغم نظارت ادارات کار و اخلاگری عنان صرمد کارگر نمایندگان مبارز و واقعی کارگران انتخاب شدند پس از تشکیل شورای واقعی کارگران، کارفرما بلافاصله زوارد کردن مواد اولیه خودداری کرد تا اتحاد کارگران را در هم ریزد و مقاصد ضد کارگری خود را پیش ببرد. ولی شورا در هفته آخر خرداد جلسه تشکیل داد و به دنبال افشای عملکردهای ضد کارگری کارفرما قطع نامه ای تصویب کرد که مواد آن به این شرح بود:

طبقه کارگر ایران، روز به روز در مبارزات خویش، تجربه ای جدید و دستاورد تازه ای کسب میکنند و میروند تا با متحد کردن صفوف خود، نقش تاریخی خویش را بعهده گیرد. این واقعیتی است که با نگرشی کوتاه به مبارزات صنفی سیاسی طبقه کارگر در ماههای اخیر بیوضوح مشاهده میشود.

کارگران کارخانه دیسمان در مبارزات اخیر خود نمونه های بی از این رشد آگاهی طبقه کارگر و پیچیده تر شدن مبارزات صنفی سیاسی اش را نشان میدهد. مبارزات کارگران کارخانه دیسمان اگرچه تماماً حول خواسته های صنفی و برای بدست آوردن حقوق صنفی خودشان بود، اما مطالبات آن وسعت بیشتری یافت و در این اواخر به خواست و اعمال آدامه تولد در کارخانه و باز ماندن کارگاه از طریق در دست گرفتن تولید و نظارت بر آن بده است.

اولین مبارزه کارگران کارخانه برای اضافه دستمزد از ۵۶۷ (حد اقل حقوق ثابت که دولت چند ماه پیش تعیین کرده بود) به ۷۰۰ ریال بود که با موفقیت پایان یافت. آنها در اولین اعتصاب یکروزه خود در آبانماه ۵۸ موفق شدند علاوه بر دریافت حقوق عقب

۱- جلوگیری از ورود رئیس بقیه در صفحه ۱۰

توده‌ها به حمایت از نشریات انقلابی برمی خیزند در گودرسولی:

رژیم جمهوری اسلامی، آزادی‌های اساسی مردم را نمی‌تواند تحمل کند. آنها از آگاه شدن خلق مینهراسند و با همه وسایل و عوامل خود سعی می‌کنند به هر طریق که باشد از آگاه شدن توده‌ها جلوگیری کنند. همه قوانین ضد خلقی مثل غیرقانونی کردن و توقیف نشریات، منع تظاهرات و راهپیمایی‌ها و جلوگیری از ایجاد سخنرانی‌ها به همین مناسبت است. در همین رابطه، جمع آوری دکه‌های فروش روزنامه سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی از طرف پاسداران و کمیته‌ها در دستور کار قرار گرفته است.

چندی پیش ما موارن کمیته برای برهم زدن دکه رزمندگان به گودرسولی آمدند که با مقاومت مردم روبرو شدند و اداران سازمان بر علیه این حمله اعلامیه‌ای دادند. در بخشی از اعلامیه آمده است:

"هموطنان مبارز! اهالی خیابان غارا! بار دیگر در پی خراب شدن اوضاع اقتصادی مملکت و گرانی کالاها و بیکاری توده‌ها، هیات حاکمه به دستا وردهای انقلاب و آزادی حمله میبرد. روز دوشنبه ۱۶/۴ ساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر، عده‌ای کمیته چی با اسلحه بدم دکه "رزمندگان" سرگودرسولی آمدند و گفتند که باید جمع کنید، سدمعبر است ولی مردم از آزادی‌های بدست آمده دفاع کردند و کمیته‌ها را برگشتند.

کارگران و زحمتکشان! ما برای آزادی مبارزه کردیم، خون دادیم، شهید دادیم تا آزادی از بین نرود ولی جمهوری اسلامی تمام آزادی‌ها را زیر

پا گذاشته و کمونیست‌ها را دشمن خود میدانند... کمونیست‌ها به مردم هرگز دروغ نمی‌گویند و واقعیاتی را که در جامعه میگذرد به مردم نشان می‌دهند و میگویند که در کردستان چه میگذرد و خلق کرد که کشتار میشود برای چه می‌جنگد و دروغ‌های راد یو و تلویزیون و رژیم زاپرا برای کارگران و زحمتکشان افشاء میکنند و معتقدند رژیم که در عمل بنفع سرمایه‌داران و بر علیه کارگر عمل کرده است و در حرف خود را حامی مستضعفان میدانند، نمیتواند آزادی، رفاه، مسکن و... را برای مردم به ارمغان بیاورد...."

اگر نشریات انقلابی و کمونیستی هنوز فروش می‌رود اگر کمونیست‌ها و انقلابیون هنوز در بین زحمتکشان فعال اند، برای این است که مردم از آزادی‌ها با جنگ و دندان پاس می‌دارند و اجازه نمیدهند رژیم ضد خلقی، به آسانی هر کاری که دلش خواست در راه محدود کردن آزادی‌ها انجام دهد.

در نامک:

رژیم جمهوری اسلامی که از آگاه شدن مردم به شدت وحشت دارد از فروش نشریات و کتابهای انقلابی و کمونیستی که نقش مهمی در بالابردن آگاهی سیاسی توده‌ها دارد به شدت جلوگیری میکند و همه روزمره‌ها جمع آوری بساط‌ها و دکه‌های فروش کتاب و روزنامه‌های انقلابی و دستگیری فروشندگان آنها میتا شد.

در همین رابطه پاسداران

در ۱۶/۴ به فروشندگان نشریات انقلابی و کمونیستی درسی متری نارمک حمله می‌برند. در پی اعتراض مردم به این حمله آنها برای متفرق کردن مردم دست به تیراندازی هوایی می‌زنند. طبق گفته‌ها هدان عینی در همین رابطه شخصی با کلبت سه نفر را مورد حمله قرار میدهد که یک نفر کشته و دو نفر به شدت زخمی میشوند. پاسداران با اینکه در کنار این شخص بوده و او را دیده بودند از دستگیری او خودداری میکنند. این نشان میدهد که فرد قاتل خود پاسدار و از مزدوران رژیم بوده است. بدنبال این واقعه حدود ۴۰۰ نفر با شعارهایی چون:

"زحمتکشان بدانید سی متری شهید داد"، "مرگ بر ارتجاع"، "مرگ بر آمریکا"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "مرگ بر حامی سرمایه‌دار"، "دست به راهپیمایی و افشای جنایات رژیم می‌زنند.

اما روزنامه‌های رژیم در هفته "حمله رسمی و مجاز" به سازمان مجاهدین با کمال وقاحت این درگیری را با داستان پردازی و انواع دروغها به مجاهدین نسبت میدهد.

رژیم جمهوری اسلامی بر ای جلوگیری از آگاه شدن توده‌های مردم و سرکوب مبارزات آنها از هیچ جنایتی فروگذاری نمی‌کند. ولی توده‌ها در همه جا در برابر اقدامات ضد انقلابی رژیم و پاسداران آن دست به مقاومت و مبارزه می‌زنند. نشان می‌دهند که زیر بارستم گری‌ها و زورگویی‌های رژیم جمهوری اسلامی نمی‌روند.

بقیه از صفحه ۸۰

باشعله‌های...

را چه در این کارخانه و چه در جامعه تنها و تنها باید در سیستم سرمایه‌داری وابسته جست. تا زمانی که چنین نظامی بر جامعه ما حکم فرماست آب خوشی از گلیوی ما پائین نخواهد رفته دسترنجمان بیجیب یک عسده مفتخور و حراف می‌رود.

کارگران عزیز، در این سیستم کسی بفکر ما نیست. ما باید بفکر خود یا شیم و خود باید با خیزیم. تنها راه عسلاج نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته است. برای این مقصود باید هر چه بیشتر متحد تر و نزدیک تر شویم و مسائل همدیگر را بهتر درک کنیم و تشکیلات مناسب برای مبارزه را بوجود آوریم. برای همین است که سرمایه‌داران و عواملش در کارخانه‌ها و آگاهی و وحدت و تشکیلات و وحشت دارند و از اعلامیه‌ها و شب‌نامه‌های ما مثل "جن رژیم الله" می‌ترسند. آنها می‌ترسند که ما با کارگران آگاه شویم. متحد آریشه‌تان را از جامعه ببر کنیم!

کارگران مبارز! ما باید با مبارزه متحد خود علیه سیستم سرمایه‌داری وابسته و نابودی آن نظامی را بوجود بیاوریم که در آن حکومت در دست کارگران و زحمتکشان بود و از اینهمه فشار کم‌تر شویم، بهره‌کشی و مشقت خبری نباشد.

گرامی باد یاد ابراهیم غلامی! چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

"کارگران متحد سیمان سپاهان" ۵۹/۴/۲۵ ●

ممنوعیت انتشار نشریات کمونیستی نشانه ترس حکومت است!



اخبار کوتاه

● روز یکشنبه اول تیرماه مردم ساکن اطراف کارخانه سیمان ری برای اعتراض به گردوخاک کارخانه راه پیمایی میکنند مردوزن و بچه در این راه پیمایی شرکت کرده، به سمت کارخانه میروند و در کارخانه را میبینند از کارگران میخواهند که کار نکنند. میگویند تا فیلتر گردگیری برای کارخانه نگذارید، نمیکذاریم کار کنید. ساکنان محل خواستهایشان را در آخرا راه پیمایی بصورت قطعنامه اعلام کردند: ۱- هرچه زودتر کارخانه با بیدرد و دکش ها فیلتر نصب کند.

۲- از طرف کارخانه باید هر روز صبح به کارگران شیر مجانی داده شود.

۳- دکتر بایستی هر هفته مردم محل را برای جلوگیری از بیماریهای ناشی از این گردوخاک معاینه کند.

● کارکنان اداره آب تهران در پی کم شدن ۵۰٪ از دریافتی ماهانه شان دست به اعتراض زده اند روزنامه های دولتی این اعتراض را برای خواسته های اضافه حقوق و حق نهار و انمود کرده اند که دروغ میباید شد. مدیر عامل سازمان آب ابو الحسن کاشانی برای سرکوب آنها به کارکنان سازمان آب گفته است: دستور میدهم لوله آب را منفجر کنند و آب در تمام تهر آن قطع شود و مردم بر علیه شما به اینجا بیایند. این توطئه ضد مردمی و ضد کارگری با هوشیاری و افشاکاری وسیع کارکنان

سازمان آب منطقه ای که علیرغم اعتصاب خود اجازه نداده بودند آب قطع شود، خنثی شد.

● بیماران خزانه که ساکنین منطقه خزانه فرج آباد دروازه غار و خیابان شوش را معالجه میکرد به شمال شهر انتقال داده شد! در حال حاضر اگر شخصی از ساکنین زحمتکش آنجا دچار حادثه ای گردد یا بیمار شود باید به بیمارستان فیروزآبادی که ۸ کیلومتر با آن محلات فاصله دارد برود. این است معنی حمایت رژیم جمهوری اسلامی از کارگران و زحمتکشان!

● سه هفته پیش ۳ نفر از نمایندگان شورای کارگاه ساختمانی آپادانا را دستگیر و به زندان اوین میبرند. این کارگاه حدود ۳۰۰۰ نفر کارگر دارد که کارفرما بعد از تمام شدن کار هر قسمت کارگران آن قسمت را بدون پرداخت هیچگونه خسارتی اخراج میکرد در مقابل این عمل ضد کارگری، کارگران کارگاه متحد شده و شورا تشکیل میدهند این شورا برای هر کارگر در هنگام خروج ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان خسارت میگرفت.

کارگران وقتی از دستگیری نمایندگان نشان با خبر میشوند، دست از کار میکشند و علیرغم اصرار و فشارهای کارفرما چند روز کار نمیکنند. و تنها پس از چند روز که حکومت مجبور میشود آنها را آزاد کند کارگران به کار بر میگردند. ولی در روز بعد هر سه نفر را دوباره اخراج میکنند.

● کارفرمای شرکت سایبر "در نزد یکی سربرندرما شهرت تصمیم گرفته است ۵۰۰ نفر از ۷۲۰ نفر کارگر آنجا را اخراج کند بهانه شرکت تمام شدن مدت کار است. کارگران این بهانه را قبول ندارند و معتقدند شرکت هنوز کارش ادامه دارد.

● یکی دیگر از شرکتها ی ما شهر به نام - میم کوچاگا -

نیز که شرکتی آمریکایی و پسر ه ساختمانی سازی برای کار - کنان پتروشیمی را در دست اجزا داشته است، تصمیم به اخراج ۵۰۰ تن از کارگران نجار، بنا، آرما تور بند و سازه گرفته است. اما بعد از آمدن لیست به مقاومت کارگران رو برو میشود و بقیه کارگران نیز، آگاهانه از رفقای خود پشتیبانی میکنند و همبستگی طبقاتی خود را به اثبات میرسانند.

● از ۳۰۰ کارگر کارخانه چیت سازی قائم شهر که تازه میخواهند استناد استخدام شوند تعهد گرفتند که هر وقت کارفرما ترسید جیب داد بتوانند آنها را اخراج کنند بهانه این عمل ضد کارگری کارفرمایان بود که ضد انقلاب

بقیه از صفحه ۸۰

با اقدام انقلابی...

کارخانه به کارخانه.

۲- افسر اداری بازنشسته ادارات دیگر حرق آمدن به کارخانه را ندارند.

۳- کارفرما موظف است هر چه زودتر کارخانه را از مواد اولیه تامین نماید.

از آنجا که کارفرما حاضر به تامین مواد اولیه نشد در روز بعد کارگران و شورای منتخب آن ها تصمیم گرفتند برای جلوگیری از تعطیل کارخانه خود به تهیه مواد اولیه بپردازند.

آنها با جمع آوری کمک های مالی و تامین مواد اولیه کنترل و نظارت بر تولید را خود برعهده گرفتند اما کارفرما که اراده کارگران را در مبارزه

برای احقاق حقوق خود دید بناچار یک هفته بعد ضربه تا مین مواد اولیه شد. در این مدت کارگران تولید را افزایش دادند و نشان دادند که خود قادر به کنترل و نظارت بر تولید هستند در حال حاضر کارفرما و

اداره کارگاه به هیچ حیل های نتوانستند کارگران مبارز کارخانه را از کارگران و هدا نیست

رخا

شود.

شود.

میخواهد در اینجا نفوذ کند و برای جلوگیری از آنها این تعهد را میگیریم!

● روز ۲۵ تیر یک دسته ۷ تا ۱۵ نفری حزب اللهی با شعار امام ما فاشا کرد، افشا کرد، موافق را رسو کرد به کتاب فروشی طالقانی هوادار سازمان مجاهدین در اصفهان حمله کردند. مردم زیادی در اطراف محل جمع شده بودند ولی با آنان هم راهی نمیکردند ولی عکس العطفی هم نشان میدادند هر چند که در حرف ها و بحث ها ایشان با این عمل مخالفت میکردند در تمام طول جریان یک سرگرد و یک عده پاسبان که از او دستور میگرفتند بر جریان نظارت داشتند. □

مبارزاتشان دورنگهدارند. لیستی مبنی بر اخراج بیش از ۳۰۰ تن از کارگران مبارز را تهیه کردند!

* * *

همانطور که در شماره ۲۰ پیک رزمندگان نوشتیم اشغال کارخانه و تامین مواد اولیه برای جلوگیری از تعطیل کارخانه یکی از اشکال مبارزاتی کارگران برای مقابله با سیاست ضد کارگری اخراج است. این روش تا جایی مجاز است که به کارفرمایان فشار آورند که نتوانند کارخانه را تعطیل کنند و به دولت فشار بیاورند که کارخانه را دولتی کند. این روش هرگز بمعنی تغییر روابط استثمارگری نیست زیرا نمیتوان در یک کارخانه، روابط تولیدی سرمایه داری را از بین برد و چنین شیوه ای تنها در شرایط انقلابی میتواند به گسترش قدرت کارگران و زمینه سازی برای حاکمیت کارگران و زحمتکشان منجر شود. □

بعیه از صفحه ۱

است و کمونیست ها چون عامل بیگانگان هستند میخواستند ارتش از هم بپاشد و مملکت در خطر حمله خارجی قرار گیرد. کمونیست ها میگویند ارتش اسلامی همان ارتش شاهنشاهی است و همان ارتشی است که برای حفظ جامعه سرمایه داری وابسته از گزند طغیان توده ها لازم است. او در مقابل حکومت نه تنها ارتش را حفظ کرده بلکه فرماندهان جنایتکاری نظیر سپهبد مهدیون، سپهبد محقق رابه فرماندهی نیروی هوایی و ژاندارمری کل کشور منصوب کردند. کمونیست ها و انقلابیون و پسران انقلابی ارتش دهها سند و مدرک بر علیه این فرماندهان مزدور آمریکا افشا کردند، و بازرگان و بنی صدر دیگر سران حکومتی بارها و بارها وظیفه های مکرر اطاعت از آنها را جزو وظایف شرعی ملت قلمداد کرده و در برنامہ های تلویزیونی همین فرماندهان مزدور را سر باز انقلاب و شجاعان و حافظان انقلاب مینامیدند! البته، حکومت، بر اساس منطق طبقاتی خودش سخن میگفت: آخر چگونه ممکن است رژیم جمهوری اسلامی که خود حافظ سیستم فرسوده سرمایه داری وابسته است، از ارتش خلقی، ارتشی که متکی بر خلق است نه در مقابل آن، دفاع کند؟ حکومتی که بغض پریشانی از منافع سرمایه داران خود مهر ضد انقلابی بر پیشانی خویش دارد، چگونه میتواند ارتشی خلقی و انقلابی داشته باشد؟! آری! آنها با منطق خود سخن میگویند و بهمین دلیل ارتش را حفظ و کمونیست ها و زحمتکشان را سرکوب میکنند. کمونیست ها و نیروهای انقلابی نیز منطق خود را دارند. منطق انقلاب زحمتکشان را و منطق مبارزه با ضد انقلاب را!

و اینک خبر رسیده است که "برادران ارتشی" میخواستند اندکودتا کنند! آنها میخواستند "برادروار" بر سر مردم بمب بریزند و هر کس را که نفس کشیده گلوله ببندند. این کودتاگران این مزدوران ضد خلق از ترس رشد نیروهای انقلابی و از ترس رشد انقلاب بر اثر عدم توانایی حکومت در حفظ سیستم و بقصد سرکوب بازهم آشکارترین نیروهای انقلابی و کمونیست دست بسته

قدرت را در دست بگیرند. اگر چه امروز حکومت سعی دارد و نمود کند که چون انقلابی بوده است بر علیه اش کودتا شده است و در این راه، هر دو جناح ضد انقلابی حکومت بنبغ خویش و بطریقی کودتا را تفسیر و تعبیر میکنند، و اگر چه بیشتر ما نه در روزهای اول کشف کودتا سعی میکردند که آن را به نیروهای انقلابی و کمونیست ارتباط دهند (رجوع کنید به

شده و بیشتر هم روشن خواهد شد که چرا حکومت اینقدر از خلع سلاح توده ها و نیروهای انقلابی پشتیبانی میکرد و کمونیست ها چرا با آن مخالفت میکردند؟ اگر کودتا پیروز میشد، چه کسانی در صف مقدم جبهه با کودتاگران مقابل میکردند؟ بنی صدرها، بازرگان ها، بهشتی ها و فرسنگانی ها؟ یا کمونیست ها و نیروهای انقلابی



کودتا زدند. این خود فروختگان را صدها مورد اعدام کمونیست ها و انقلابیون راضی نمیکرد. آنها از خون دهها کارگر بیکار رود که دارو صیاد و زحمتکش سیراب نمیشدند. این مزدوران از هزراران خمپاره که به شهرهای کردستان ریخته شد، رضایت کافی نداشتند، آنها سرکوب بازهم آشکارتر توده ها و کمونیست ها را میخواستند. بنی جهت نیست که یکی از کودتاگران در مصاحبه گفته است: "ما برای این میخواستیم کودتا کنیم که میتر سیدیم کمونیست ها

سخنرانی امام جمعه تهران در اولین جمعه پس از کشف کودتا (اما دیگر برای توده ها، یا لا اقل برای بخش وسیعی از توده ها روشن شده است که حکومت ضد انقلابی، دستاوردهای قیام خونین بهمین راه چه کسانسی هدیه کرده است. آنها آگاه شدند و بازهم بیشتر درخواهند یافت که کمونیست ها نه از روی هرج و مرج طلبی، بلکه از روی توجه به منافع توده ها بود که شعار ایجاد ارتش خلقی را طرح میکردند.

بی و توده کارگران و زحمتکشان آبا شعار مسلح کردن توده های کارگران و زحمتکشان که کمونیست ها از روز اول قیام طرح میکردند درست نبود؟ این ها در سبب های است که توده ها در تجربیات خویش میآموزند و دبیر نخواهد بود که نه تنها چهره واقعی ضد انقلابی حکومت برای همه فاش خواهد شد بلکه توده ها نیش از بیش کمونیست ها و نیروهای انقلابی این پشتیبانان مبارزه طبقاتی و حامیان منافع توده ها را باز خواهند شناخت.

آموزش توده‌ها...

"...سیاست‌های دولت خود عملاً باعث افزایش گرانی و حتی (؟) بیکاری شده است."

کمیته مرکزی "س.ج." با این جمله عملاً زمینه را فراهم می‌کند تا این سیاست‌های غلط را تصحیح کرده و به هیات حاکمه برای تغییر سیاست‌های غلط دولت که موجب افزایش گرانی شده است رهنمود بدهد. این نوع تحلیل همواره کل رژیم را از تیغ حمله توده‌ها دور کرده و تنها سیاست‌های غلط آنرا آنهم در یک وارنگ می‌داند که شاید رژیم سیاست‌های خود را تصحیح کرده و راه حل‌های کمیته مرکزی "س.ج." را قبول کند.

کمیته مرکزی در ادامه مینویسد: "این وضعیت در بخشهایی از مردم که از آگاهی کافی برخوردار نیستند و علل و ریشه‌های واقعی گرانی را نمیدانند (براستی علت گرانی از نظر کمیته مرکزی "س.ج." چیست؟) نسبت به مبارزات ضد امپریالیستی تردید ایجاد میکنند و صدها هزار زحمتکش را که با پیدای مبارزات پیگیر خود پیروزی این انقلاب را تضمین کنند، به انفعال میکشاند و این امر در ادامه خود خطر نابودی دستاوردهای انقلاب و قدرت گرفتن محافل سرمایه‌داری وابسته را افزایش میدهد!"

انسان حرفهای کمیته مرکزی در همین چند جمله است و آغاز روگردانی او از مبارزات توده‌ها به خوبی از همین چند خط روشن میشود، زیرا کمیته مرکزی مردمی را که در تجربه روزمره شانوار جمله در رابطه با مسئله گرانی در میابند که رژیم عملاً در جهت حفظ سیستم سرمایه‌داری وابسته کار میکند و قادر نیست راه حل‌های بنیادی و

انقلابی بدهد توده‌های ناآگاه میخواند. توده‌هایی را که به رژیم جمهوری اسلامی توهم داشته و از یک رژیم حامی سیستم سرمایه‌داری حمایت میکردند و اینک ما هیت رژیم را میشناسند و توهمشان درهم میشکند و از این حکومت پشتیبانی نمیکنند توده‌های ناآگاهی میخوانند که با توجه به ناآگاهی‌شان نسبت به علل گرانی ممکن است منفعل شده و راه را برای "قدرت‌گیری محافل سرمایه‌داری وابسته" باز کند.

نگی رسیدن به آنرا توضیح دهد، توده‌ها را از قدرت گرفتن محافل سرمایه‌داری وابسته میترساند. این درست است که ناراضی و خشم خود بخودی توده‌ها از عملکردهای ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی میتواند مورد استفاده نیروهای ضد انقلابی دیگر چون رادیو بغداد، رادیو آزاد، بختیارها و ایسی‌ها و... در نتیجه محافل سرمایه‌داری وابسته و قرارگیر دوا اینان با استفاده از این ناراضی و بیاکوبیدن رژیم جمهوری اسلامی خود را

تاریخ مبارزات خلقهای سراسر جهان نشان میدهد که اگر کمونیست‌ها حل مشکلات توده‌ها را نه در به قدرت رساندن خود آنان بلکه در استدعا و خواهش از بورژوازی طلب کنند، هیچ راهی جز افتادن به دام بورژوازی و پشت کردن به منافع توده‌ها و مبارزه طبقاتی ندارند.

دوست خلق نشان دهند، اما راه حل این خطر نه جلب توده‌ها به پشتیبانی از حکومت جمهوری اسلامی که خود نیز حامی سرمایه‌داران و سرکوبگر کارگران و زحمتکشان است بلکه نشان دادن قدرت خود کارگران و زحمتکشان به آنان و لزوم حاکمیت کارگران و زحمتکشان بر سرنوشته خویش و حل مسائل و مشکلاتشان از جمله گرانی است.

کمیته مرکزی "س.ج." تنها به گفتن اینکه "بدون نابودی کامل سرمایه‌داری گرانی و بیکاری و غیره از میان نخواهد رفت" اکتفا کرده و به راه حل دادن برای رژیم کنونی مینشیند. کمیته مرکزی "س.ج." روشن نمیکند که حامی نظام سرمایه‌داری وابسته ایران کیست معلوم نمیکند که چگونه نظام سرمایه‌داری و در

کمیته مرکزی "س.ج." اینان را توده‌های ناآگاه میخوانند و لایذات آنها را که علیرغم تمام فشارهای رژیم جمهوری اسلامی، گرانی، مسکن و بیکاری باز هم به هیات حاکمه توهم هستند و از یک رژیم ضد انقلابی پشتیبانی میکنند، آگاه.

این توده‌های کنده شده از رژیم ممکن است علل گرانی و لزوم مبارزه علیه کل سیستم سرمایه‌داری وابسته را ندانند و قدرت خود را نشانند اما دیگر از رژیم ضد کارگری پشتیبانی نکرده و فریب حیلها و توطئه‌های آن را نخواهند خورد.

کمیته مرکزی "س.ج." آنکه در مقابل این رودر رویی رژیم جمهوری اسلامی با توده‌ها که موجب جدایی آنها از یک رژیم ضد انقلابی میباشد راه حل خودکار کارگران و زحمتکشان و چگو-

نتیجه گرانی و بیکاری و غیره از میان می‌رود و توده‌ها برای از بین بردن بیکاری و گرانی چه باید بکنند زیرا اگر کمیته مرکزی پاسخ این سئوالات را روشن کند با پیدای راه حل برای جمهوری اسلامی بگذرد. زیرا مجبور است به توده‌ها بگوید که حامی نظام سرمایه‌داری وابسته همین حکومت جمهوری اسلامی است مجبور است بگوید که اصلاً وجود دولت جمهوری اسلامی، دور بودن توده‌ها از قدرت و حمایت رژیم از سرمایه‌داران و سیستم سرمایه‌داری وابسته خود باعث وجود گرانی و بیکاری است آنوقت راه حل، نه رهنمود دادن به دولت حامی سرمایه‌داران و محافظ گرانی و بیکاری بلکه مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی با هدف برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان و حل مسئله گرانی و بیکاری خواهد بود.

آنوقت کمیته مرکزی "س.ج." با پیدای توده‌ها بگوید که اگر دولتی بر سر کار بود که بر شورا‌های کارگران و زحمتکشان تکیه میکرد میتوانست با کمک خود توده‌ها مشکل گرانی را حل کند، کارخانه‌ها را نه برای سود بلکه برای منافع مردم به راه بیاورد، بایک برنامه ریزی حساب شده تولیدات کشاورزی را افزایش دهد و شورا‌های دهقانی را به رسمیت بشناسد، با ایجاد کارگاههای نو-لیدی در پادگان‌ها نیروی ارتش مردمی را به کار تولید بگیرد و... تاریخ مبارزات خلقهای سراسر جهان نشان میدهد که اگر کمونیست‌ها حل مشکلات توده‌ها را نه در به قدرت رساندن خود آنان بلکه در استدعا و خواهش از بورژوازی طلب کنند، هیچ راهی جز افتادن به دام بورژوازی و پشت کردن به منافع توده‌ها و مبارزه طبقاتی ندارند و این راهی است که کمیته مرکزی "س.ج." در پیش گرفته است!

ویرانه های آن کسان نشتند که هیچ فرصتی را برای بازسازی بساط سرکوبگرانه پیشین از دست نداده اند و در این رابطه با مقاومت توده ها روبرو گشته اند. خلق همتا و زحمتکشان ایران در ادامه انقلاب ناتمام خویش همزمان با مبارزه علیه هیئت حاکمه ضد خلقی فعلی پس مانده های رژیم پیشین را نیز به سادگی نابود خواهند کرد.

■ نزدیک به ۲ هفته بچش تعدادی از پیشمرگان دموکرات به شهرمقاومت می آیند و به یکی از مقرهای سپاه پاسداران حمله میکنند، در بازگشت با ۴ جاش برخورد کرده و درگیر میشوند. در درگیری یکی از پیشمرگه ها زخمی میشود و از بقیه میخواهد که آنها بروند. وقتی جاش جلومی آیند پیشمرگه قهرمان ضامن یک نارنجک خود را میکشد که خودش به شهادت رسیده و چند تن از جاشها نیز گشته و زخمی میشوند. یکی از این جاشهای زخمی شخصی به نام عبدالله جماران بود که به تهران آورده میشود و در تهران بعلت شدت جراحات گشته شد. جماران از کثیف ترین و مزدورترین جاشهای سنندج بود و دولت به مناسبت مرگ ننگین او در سنندج مراسم سوگواری برپا کرده و از او و برادرش که او هم جاش بود به عنوان شهیدان نام برده است !!

■ چند روز پیش یک پاسدار که جرات کرده بود به داخل کوچه ها و محلات شهر برود در محله آغازیان به دست مردم کشته میشود. بلافاصله بعد از آن حدود ۳۰۰ - ۲۰۰ پاسدار در دروازه خودشان میخواستند پیکار کنند اما، مانند همیشه چیزی بدست نمی آورند.

■ چند وقت پیش دسته ای از پیشمرگان کومه له به یک روستا میروند. ملای آبادی برای خوش خدمتی و نشان دادن مزدوری خود با رژیم پیش پاسداران میروند تا آنها را در جریان بگذارد. بچه های از اهالی روستا با خبر شده و پیشمرگان را با خبر میکنند. پیشمرگه ها درده آماده میشوند و بعد از مدتی تعداد زیادی پاسدار و جاش به همراه ملای ده به آبادی بر میگردند و در کمین پیشمرگان میافتند و تعداد بسیاری از آنها کشته میشوند. پاسدارها ملای آبادی را هم بخیال اینکه خواسته سر آنها کلاه بگذارد، میکشد.

■ شهر سقز نیز در اشغال ارتش ضد خلقی و پاسداران است. شب ۱۰ تیر پیشمرگان کومه له وارد شهر شده و در کمین یک اتوموبیل گشتی ارتش و پاسدار مینشینند. این اتوموبیل به کمین پیشمرگان افتاده و در این جریان سرنشینان اتوموبیل گشتی همگی گشته و یا زخمی میگردند. پس از آن پیشمرگان مدتی در شهر میمانند و برای عده ای از مردم که در نزدیکی محل حادثه جمع شده بودند صحبت کرده و توضیح دادند (نقل از خبرنامه کومه له).

■ "مردم قهرمان کردستان درپاره ای از روستاهای بانه برای دفاع از خود در برابر حملات وحشیانه هلیکوپترها اقدام به درست کردن پناهگاه هوایی و تونل زیر زمینی نموده اند، بدین ترتیب در مقابل شیوه های نوین سرکوب توده ها نیز به تدریج شیوه های نوین مقاومت را یاد میگیرند." (نقل از خبرنامه کومه له ۶۰۰)

■ یکی از شیوه های جدید سرکوب خلق کرد و انقلابیون قهرمان کردستان توسط رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی، بمب گذاری در محلات

و ترور پیشمرگان قهرمان است. بعد از چندین بمب که جاش ها و مزدوران رژیم در جلو دکه پیکار، مقر کومه له و... در شهرها با گذاشتن اینک دست این جنایتکاران به خون پاک پیشمرگه قهرمان صلاح الدین شمس برهانی، یکی از مسئولین تشکیلات زحمتکشان آغشته شد و کاک صلاح الدین شب ۱۲ تیر به شهادت رسید. یادش گرامی باد.

■ یکی از جاشهای مشهور کردستان که در "زمان رژیم شاه مزدور نیز از عوامل سرسپرده ساواک و زاندارمری بود" به نام اسماعیل محمدی بدست پیشمرگان قهرمان کومه له کشته شد. اسماعیل محمدی در روزهای آخر عمرش یکی از کسانی بود که از ورود ما به محتاج به روستاها از شهر جلوگیری میکرد (نقل از خبرنامه کومه له)

■ تا روز ۱۸ تیر سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) ۱۷ تن از سربازان را که در جنگهای اخیر کردستان به اسارت کومه له درآمده بودند آزاد کرد. سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران در توضیح این عمل در خبرنامه ۶۱ نوشته است: "ما بدون کوچکترین چشماشتی از هیئت حاکمه ضد خلقی و بنا به وظیفه انقلابی و برای آگاهی بخشی به زحمتکشان میهنمان و افشای تهمت و دروغ پردازیهای هیئت حاکمه اقدام به این عمل نموده و به خوبی میدانیم بیشتر این سربازان فرزندان زحمتکشان بوده و نا آگاهانه و یا در اثر سیاست ضد خلقی ارتش سرکوبگر به زور روانه سرکوب در کردستان گردیده اند. چنانکه ما در میدانهای جنگ جنازه سربازانی را که در اثر عدم اجرای دستور فرماندهان و یا حین ملحق

شدن به پیشمرگان از طرف فرماندهان مزدور از پشت تیر خورده اند، دیده ایم و عمیقاً درک میکنیم که اکثر سربازان علیرغم میل خود قربانی این جنگ افروزی هیئت حاکمه و ارتش ضد خلقی شده اند. پیشمرگان ما زحمتکشانی هستند که اکثریاً مقرر رات کشیف و غیر انسانی ارتش سرکوبگر در سربازی آشنا شده اند و در این موارد با زحمتکشان ایران احساس هم دردی نموده و ضمن تسلیت به خانواده این سربازان مسئول مستقیم خون این جوانان نا آگاه و بی گناه راهیست حاکمه و سیاستهای ضد خلقی و جنگ افروزانهاش در کردستان میدانیم"

ما زنده ایم!

به اسارت میبرند شکنجه میدهند و میکشند * * * اعدای بسیاری از انقلابیون کشتارهای بسیار در تمامی شهرهای ایران و مبارزان کردستان قهرمان، هیچکدام، هیچکدام، اراده ما کمونیستها را نخواهد شکست و هیچکدام مبارزه را متوقف نخواهد کرد به قول عمو "هو": (ما نمیمیریم ما هر ساله در ساقه های پربار برنج دوباره خواهیم روئید و هر دانه مان به خوشه ای بدل خواهد شد) ما نمیمیریم چرا که خلق زنده است چرا که زندگی نمردنی است و جهان رویه پیش دارد ما نمیمیریم

کمیته مرکزی سازمان چریکها:

آموزش توده‌ها برای مقابله با گرانی

یارهنمود به حکومت!؟

هیچ چیز جزیک مصالحه با کارگران و زحمتکشان روبرو نمیشود نه توضیحی و نه تحلیلی، مصالحه‌ای که رادیو و تلویزیون روزنامه‌های رژیم جمهوری اسلامی نیز بارها از آن یاد کرده‌اند. اما روزنامه کمیته مرکزی قول میدهد که در شماره آینده برای آنکه "مانع از آن شود که دشمنان مردم از آن به سود امپریالیسم آمریکا و علیه زحمتکشان بهره‌گیری کنند" به تحلیل "علل" آن بپردازد. در شماره ۶۵ بعد از آنکه توضیح کلی داده و افزایش قیمت چند رقمی کالا و در عوض افزایش کمتر دستمزد کارگران را ذکر میکند به تحلیل می‌نشیند. تحلیلی که رسالتی جز به سازش کشاندن مبارزه طبقاتی و دور کردن رژیم از تیر رس توده‌ها - کارگران و زحمتکشان - و ارائه راه حل به رژیم ندارد.

کمیته مرکزی "س.ج. بدین آنکه علت گرانی را ذکر کند و بحران اقتصادی نظام سرمایه داری و حاکمان را به توده‌ها معرفی کند و نشان دهد که این رژیم جمهوری اسلامی است که با کوتاه کردن دست توده‌ها از قدرت و حمایت آشکارا سرمایه داران به گران‌نی و فقر توده‌ها دامن می‌زند و هیچ چشم اندازی هم برای حل این مشکل ندارد تنها می‌نویسد:

بقیه در صفحه ۱۴

مشکلی را که حل آن از دست رژیم بر نمی آید، به توده‌ها ارائه دهد و نشان دهد که تنها و تنها با برنام‌ها و در زمان حاکمیت خود مردم مشکلات اساسی توده‌ها حل خواهد شد و در ضمن علت واقعی وجود این دشواری‌ها و حافظی - چنین فشارهایی بر مردم را نیز روشن کنند و مردم را به مبارزه علیه این دشواری‌ها و حاکمان آن فراخوانند.

گرانی هم یکی از این مسائل است که گروهها و جریانهای سازشکار و ضد انقلابی و کمونیست هر یک به فراخور موضع خود در قبال حکومت سعی کرده‌اند آنرا توضیح دهند. حزب خائن توده در شماره ۱۵ شماره روزنامه خود مشکل گرانی را بررسی کرده است و با توجه به موضع خائنان‌ها در مقابل حکومت تنها به مصالحه با مردم بررسی قیمت‌ها و اینکه چه قیمت‌هایی گران است اکتفا کرده و در آخر نیز برای ارزاندن این قیمت‌ها راه حل ارائه داده است!

برخورد سازشکارانه و غیر انقلابی کمیته مرکزی "س.ج. به مساله گرانی هم به خوبی راست روی و سازشکاری روزافزون کمیته مرکزی را در مبارزه طبقاتی نشان میدهد. کمیته مرکزی سازمان چریکها در طی دو مقاله در "کار" ۶۴ و ۶۵ مساله گرانی را بررسی میکند، در شماره ۶۴ خواننده با

مساله گرانی و تورم و افزایش قیمت روز به روز تمامی مواد غذایی، مصرفی، ساختمانی و... بسیار کاهش یافته و بیشتر مردم را تحت فشار قرار میدهد و یکی از محورهای مبارزه مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی و روگردانی توده‌ها از حکومت شده است. مبارزات زنان خیابان گرگان، مردم کرمانشاه و تبریز و توده‌ها نمونه دیگر همه و همه نشانه‌هایی از دامنه و وسعت فشار و ظلمی است که بر اثر این گرانی به مردم وارد میشود.

این مساله تقریباً مورد بررسی تمام نیروهای سیاسی قرار گرفته است، از حزب ضد انقلابی توده گرفته تا سازمانهای کمونیستی در مورد این مشکل زحمتکشان اظهار نظر کرده و مواضع خود را توضیح داده‌اند. مواضع سازشکارانه سعی در آشتی دادن منافع توده‌ها و هیات حاکمه در حل این مشکلات داشته و چنان‌که این نمود کرده‌اند که گویی هیات حاکمه اشتباه میکند، سیاست غلط در پیش می‌گیرد و میتوانند با این یا آن کار جلوی مشکلات مردم را بگیرند آنها به رژیم راه حل ارائه میدهند و سعی میکنند حکومت جمهوری اسلامی را نصیحت کنند و به توده‌ها نیز صبر و حوصله می‌آموزند. در حالیکه مواضع انقلابی سعی میکنند راه حل واقعی



اخبار کردستان قهرمان

کومه له و

رادیوهای امپریالیستی

در خبرنامه ۶ کومه له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، مواضع خود را نسبت به دو فرستنده رادیویی امپریالیستی اعلام و آنها را تحریم کرده است. در این بخش از خبرنامه درباره بخش‌های رادیوهای مزدور و آژانس است: "خلقها و زحمتکشان ایران در شرایطی که این اجساد گندیده فعلی در اوج قدرت خود بودند مبارزات قهرمانانه و بی‌امان خود که منجر به قیام تاریخی بهمین گردید بساط ننگین آنها را درهم کوبیدند و مآستانه‌ها را بر سر

بقیه در صفحه ۱۴

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد کوبید!